

ضياءالدين ابوبكر احمد جامجى ، يوسف عروضى ، نجيبالدين ابوبكر خطاط
ترمذى ، نجمالدين حسن كرماني ، نظامالدين احمد كاتب جامى ، مهذبالدين منصور بن
على اسفزارى ، مجدالدين عيوقى ، محمد بن بديع نسوى ، ملاقبادى ، مجدالدين -
نسوى ، شمسالدين محمد كاتب بلخى ، كمالالدين كوتاهپاي ترمذى ، قوامى خوافى ،
سراجالدين قمرى آملى ، قوامالملك خراسانى ، فریدالدين محمود بن بشار هروى ،
مجدالدين فهيمى بخاراىى ، فریدالدين على منجم سكرى ، فخرالدين محمد زندخانى
سرخسى ، عجيبى خجندى ، فخرالدين بن عزالدين فرید مشرف ممالك خراسان ، فخرالدين
خطاط هروى ، علاءالدين مسعود بن محمد بن على اندخودى ، عزیزالدين رافعى
اسفراينى ، عمادالدين مؤيد بن احمد كاتب اسفراينى ، ضياءالدين محمد بن ابونصر بن
ابوشهيد غزنوى ، ضياءالدين عمر بن محمد بسطامى ، ضياءالدين محمود كابللى ،
ضياءالدين سكرى ، صفىالدين بستى ، صدرالدين عمر بن محمد خرم آبادى ، صدرالدين
ملكالسادات نيشابورى ، مجدالدين ابوالشجرى صندلى غزنوى ، شمسالدين محمد
منوكه نسوى ، شهابالدين محمد بن همام ، شهابالدين محمد بن الصائغ غزنوى ،
قاضى شمسالدين محمد بن محمود زابى ، شمسالدين محمد بن علاءالدين مسعود بن
محمد بن على اندخودى ، شمسى دهستانى ، شهر يارى خراسانى ، شمس حاسبى ، شمسالدين
حاجى بچه بستى ، شمسالدين محمود بلخى ، سعدالدين خليفه ، سيفالدين دير ، سراجالدين
علاء بلخى ، بديع الزمان على بن احمد سيفى نيشابورى ، زينالدين صاعد خبوشانى ،
زينالدين ابوعلى وافر سكرى ، حميدالدين دهستانى ، حميدى اختيارى ، حميدالدين
احمد بن حسين مستوفى كشانى ، سيد كمالالدين حسين حسنى حاجب غزنوى ، علاءالدين
حارثى مروزى ، جمالالدين عباسى ، تاجالفضلاى نسوى ، تاجالدين جاجرمى ، تاجالدين
سمرقندى ، برهانالدين اردلانى ، بدرالدين بن نورالدين هروى ، برهانالدين
ابوسعيد محمد بن فخرالدين عبدالعزيز كوفى بخاراىى ، بهاءالدين محمد بن على جوینى
جد چهارم شمسالدين صاحب ديوان ، اوحدالدين گرگانى يصادرگانى ، اصیلالدين
نجيب سمرقندى ، اشرفى سمرقندى ، جلالالدين محمد ازهرى هروى ، فلكالدين
ابراهيم سامانى ازبازماندگان آل سامان ، ابوبكر بن محمد ذاعظى بلخى ، ابوعلى بن

حسین مروزی ، رفیع الدین نیشابوری ، عزیزی مستملی ، خواجه هلال قاینی که از هر يك از ایشان برخی اشعار مانده است .

۵- شعراي ماوراءالنهر - سلسله خانیه ماوراءالنهر که ایشان را بنام خاقانیان و آل خاقان و ایلک خانیه و آل افراسیاب نیز می خوانند پس از انقراض سامانیان بر ماوراءالنهر دست یافتند و از حدود ۳۸۰ تا ۶۰۹ در آن دیار حکمرانی کردند و پای تختشان شهر سمرقند بود . چون وارت دیار سامانیان شدند همان تمدن ایرانی سامانیان در قلمرو ایشان باقی ماند و بهمین جهت بزبان فارسی مانوس بودند و شاعران را در دیار خود گرامی میداشتند . حتی دوتن از پادشاهان این خاندان بزبان فارسی شعر گفته اند : یکی جلال الدین ابراهیم بن حسین قلیج طمغاج خان و دیگری پسرش نصره الدین عثمان بن ابراهیم بن حسین قلیج ارسلان خاقان که در حوالی ۵۸۲ ولادت یافته و در ۶۰۹ خوارزمشاهان وی را کشته اند . دیگری از پادشاهان این سلسله خاقان کمال الدین محمود که دست نشانده سنجر بوده بشعر فارسی دلبستگی بسیار داشته و شاعران بزرگ مانند انوری و رشید و طواط او را بسیار مدح کرده اند . این پادشاهان از نژاد ترکان شرقی بوده اند و تاریخشان درست معلوم نیست و بسیار آشفته است . بهمین جهت دوازده شاعرانی که ستایشگر ایشان بوده اند برای تاریخ ایران اهمیت بسیار دارد و ممکنست بسیاری مطالب تازه بر آن بیفزایند . در زمان ایشان در دیار سمرقند همواره شاعران بزرگ زیسته اند و نیز جمعی از سرایندگان درجه دوم بایشان پیوستگی داشته اند :

۹) شهاب الدین عمیق بخارایی - شاعر دربار خضر خان بن طمغاج خان ابراهیم بن نصر بود که در ۴۷۴ بیادشاهی رسیده و بر همه شاعران زمان خویش مقدم بود و بسیار متمول و محتشم شده بود و در زمانی که مهملک خاتون دختر سنجر زن محمود بن محمد بن ملکشاه در حدود سال ۵۲۲ درگذشت سنجر از وی مرثیه خواست و وی مرثیه ای سرود که چند بیت از آن باقیست . سرانجام در پایان زندگی که عمر بسیار کرده بود نابینا شد و در ۵۴۳ درگذشت . عمیق یکی از شاعران بزرگ خراسانست و در زمان خویش منتهای شهرت را داشته و بجاه و جلال رسیده بود و شعر را در کمال بلندی و

روانی و لطافت میسروده و سبکی داشته است نزدیک بسبک عنصری و مسعود سعد سلمان. دیوان وی گویند شامل هفت هزار بیت بوده است ولی اینک تنها نزدیک هزار بیت از او باقیست و گویند یوسف وزلیختایی سروده بود که بدو بحر خوانده میشد و آنهم از میان رفته است.

(۳) ابو محمد عبداللّه بن محمد رشیدی سمرقندی - از شاعران معاصر عمیق و از سراینندگان دربار خضرخان بود و با عمیق رقابت داشت و با مسعود سعد سلمان مربوط بود و در زمان خویش از بزرگان شعرا بشمار میرفت و در فن شعر چند کتاب نوشته است از آن جمله زینت نامه که ظاهراً مثنوی بیحرمتقارب بوده است و اینک از اشعار او تنها چند بیت باقیست.

(۴) سدیدالدین یا نورالدین و یا جمال الدین محمد بن یحیی بن طاهر بن عثمان عوفی بخارایی - از بزرگان دانشمندان ایران در قرن ششم بود. جدش از معاریف علمای زمان خود بشمار میرفت. وی در بخارا ولادت یافت و پس از فراغت از تحصیل در سال ۶۰۰ از ماوراءالنهر هجرت کرد و در بسیاری از نواحی ایران و هند مانند سمرقند و خوارزم و مرو و نیشابور و هرات و اسفزار و اسفراین و سیستان و فراه و غزنین و لاهور و دهلی سفر کرد و با دانشمندان معاصر خود محشور شد. پیش از آن صاحب دیوان انشای قلیج ارسلان خاقان نصره الدین عثمان بن ابراهیم بود و سرانجام در آغاز فتنه مغول به هندوستان رفت و در بلاد سند به دربار سلطان ناصرالدین قباچه و سلطان شمس الدین التمش راه یافت و پس از آن تا پایان زندگی در هندوستان بود و تا سال ۶۲۵ هـ می زیست. عوفی نویسنده بزرگی و مردی دانشمند و واعظی چیره بوده است و مؤلفات معروفی بزبان فارسی در هند فراهم کرده یکی کتاب لباب الالباب که قدیم ترین کتاب در احوال و اشعار شعرای ایرانست که در حدود ۶۱۸ بیابان رسانیده و دیگر کتاب جوامع الحکایات و لوامع الروایات که یکی از بهترین و سودمندترین کتابهای نشر فارسیست و بسا مطالب تاریخی مهم در آن هست و دیگر کتاب فرج بعد الشده تالیف قاضی ابوعلی المحسن بن علی بن محمد بن داود تنوخی متوفی در ۳۸۴ را بقاری ترجمه کرده و برخی از حکایات آنرا در جوامع

الحکایات نیز آورده است اما بازمانده آن از میان رفته است. در نثر فارسی نویسنده توانایی بوده و از اشعار وی نیز قطعاتی مانده که خود در دو کتاب خویشتن آورده است.

۴) شمس الدین ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان سوزانی سمرقندی - یکی از بزرگان شاعران ایران بود. نسبش به سلیمان فارسی میرسید و در قریه کلاش سمرقند ولادت یافت و در بخارا دانش آموخت و همه زندگی را در نخشب و سمرقند و بخارا گذرانیده است و بشغل سوزن‌گری میپرداخته و به همین جهت سوزنی تخلص کرده است. از بزرگان شعرای دربار خاندان خانیه بشمار میرود و چندتن از شاهان این سلسله را مدح گفته است: شمس الملک علی بن حسین، علاءالدین محمد بن سلیمان، جلال‌الدین قدرطغان خان، ادراسلان خان بن محمد بن سلیمان، ولی بیشتر اختصاص داشته است به دربار رکن‌الدین مسعود بن حسن قلج طمغاج خان و در ضمن با سعدالملک فخرالدین مسعود بن اسعد بن محمود و نظام‌الدین محمد بن علی آل میران از وزیران این سلسله رابطه داشته است و مدایح بسیار در حق چند تن از بزرگان خاندان آل مازندران یا آل برهان که روسای حنفیان ماوراءالنهر بوده و در بخارا اقامت داشته‌اند سروده است و ازین خانواده مخصوصاً حسام‌الدین عمر بن عبدالعزیز بن مازندران و پسر وی شمس‌الدین محمد بن عمر و سیف‌الدین پسر شمس‌الدین مزبور را مدح کرده است و نیز از دور مدایحی برای اتسز خوارزمشاه و سنجر میفرستاده است و در هجا و هزل بسیار توانا بوده و درین فن مبالغه می‌کرده چنانکه اهاجی بسیار درباره معاصران خود و مخصوصاً شاعران آن زمان سروده است، اما در پایان زندگی که پیری رسیده بود ازین کار توبه کرده و قصایدی در معارف و حکم و پشیمانی از کارهای گذشته خود سروده است. سرانجام در ۸۰ سالگی در ۵۶۹ در سمرقند در گذشت و وی را در آنجا بخاک سپردند. سوزنی معروف‌ترین و زبردست‌ترین شاعر هزل‌زبان فارسیست و در هجا و هزل منتهای توانایی را داشته است. در ضمن در مدایح و غزلیات نیز شاعر توانایی بوده و سخن را فصیح و بلند میسروده است. بزبان ترکی شرقی آشنا بوده و نخستین شاعرینست که الفاظ ترکی در شعر فارسی آورده است و در ضمن کلمات بسیار از زبانهای ماوراءالنهر

در سخنان خود وارد کرده است بهمين جهت شعر او دشوارست و نسخهاى ديوانى
وى که نزديک يازده هزار شعر دارد غلط بسيار دارد .

۵) **رضى الدين ابو جعفر محمد نيشابورى** - از شاعران زبردست اين دوره است.
آغاز عمر را در بلخ بکسب دانش گذرانیده و چند نوبت به حج رفته و مدتی در نيشابور
بوده ولى بيشتر در ماوراءالنهر مى زيسته و از شاگردان شرف الدين محمد بن مسعود
مسعودى مروى بخارى حنفى دانشمند اين زمان بوده است و امام فخر الدين رازى در
سفرى که در ۵۸۲ بماوراءالنهر کرده در بخارا وى را ديده است . وى بيشتر مداح قلج
طمغاج خان ابراهيم بن حسين و پسرش نصره الدين قلج ارسلان خان عثمان مقتول در
۶۰۹ بوده و چندی نيز در دربار ارسلان شاه بن طغرل سلجوقى بوده است . در پايان
زندگى بگوشه نشينى و زهد پرداخته و در ۵۹۸ در گذشته است . وى نيز از شاعران
بزرگ اين دوره است و شعر را فصيح و روان و پر مغز با معانى دقيق مى گفته و ديوانش
شامل نزديک سه هزار بيت در دست است . کتابى نيز بفارسي بنام «مکارم الاخلاق» که
بنام مجير الدين نجم بن محمد دهستانى نوشته و از کتابهاى فصيح درين رشته است
از زمانده است .

۶) **حميد الدين محمود جوهرى مستوفى** - از کارگزاران بزرگ اين
مخاندان در ماوراءالنهر بوده و با سوزنى معاشرت داشته است و در شعر فارسي توانا بوده
اما از اشعار او تنها چند بيت بمانده است .



شاعران ديگرى که درين دوره در دربار ملوک خانيه ماوراءالنهر بوده اند
بدين گونه اند :

شرف الدين ابوطاهر يحيى بن طاهر بن عثمان عوفى جد محمد عوفى ، دهقان
على شطرنجى سمرقندى ، شهاب الدين احمد بن مؤيد شهابى نسفى سمرقندى ، روحى
شارستانى ، تاج الدين مسعود بن احمد بن عبدالعزيز بن مازة بخاراىى از خاندان معروف
آل برهان يا آل مازة ، پسر وى تاج الدين عمر بن مسعود و نظام الدين محمد پسر تاج الدين
عمر که وى نيز مانند پدر خود از روساى حنفيان ماوراءالنهر بوده است ، شهاب الدين

شهابى غزال خجندی ، فریدالدین چاچرمی ، مجدالدین محمد پاییزی نسوی ، نظام الدین محمد بن تاج الدین مسعود بخارایی ، سعدالدین بخاری سمرقندی ، مؤیدالدین نسفی ، مجد الدین محمد بن عدنان سرخکتی خال محمد عوفی که طیب حاذقی بوده و کتابی بنام تاریخ ترکستان داشته است ، قطب الدین سرخسی ، علاءالدین اوزجندی ، بهاء الدین محمد بن علی بن محمد ظهیری سمرقندی مؤلف سندباد نامه و اعراض السیاسه فی اعراض الریاسه و سمع الظهیر فی جمع الظهیر ، ظهیر الدین ولی نسوی ، صفی الدین عراقی ، ضیاء الدین دوغ آبادی ، شهاب الدین محمد نسفی ، شرف الدین محمد بن ابوبکر نسفی ، حسام الامه ، شمس الدین ولوالجی ، شمس الدین محمد بن علی کاشانی ، شمس الدین منصور بن محمد اوزجندی صدر الشریعه ، شمس الدین داعی حسینی نسفی ، شمس الدین باقلانی بلخی ، سعد الدین اسعد بن شهاب بخارایی ، رشید الدین محمد بن محمود بن مسعود اسفزاری ، رکن الدین مسعود بن محمد امامزاده ، روحی سمرقندی ، شمس الدین محمد بن علی بن محمد دقایقی مرورودی ، حمید الدین بخارایی ، جنتی بیای نخشیی ماوراء النهری که ازهریک ازیشان چند بیتى بما رسیده است .

عده دیگر شاعرانی در همین زمان در ماوراءالنهر بوده اند که از ایشان شعری بما نرسیده است و نامهای ایشان بدین گونه است : پسر اسفرائینی ، پسر درغوش ، پسر تیشه ، سفندی ، علی سپهری ، علی بانیدی ، گلابی ، لؤلؤی ، نجیبی فرغانی ، نجار ساغرجی ، پسر خم خانه ، ملیح سرپلی بخارایی ، مسعود یا قوتی جولاهه ، جمالنی ، نظامی سامانی نیشابوری ، دهقان عمید کاسی ، قوامی ، جوهری ، مقبل الدین ، حنایی ، نشاطی .

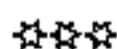
۲ - شعراى عراق و آذربایجان - در قرن ششم بیشتر شاعران بزرگ و نامی در عراق و آذربایجان زیسته اند و روش مخصوصی درین دوره در میان ایشان پدیدار شده است که آنرا سبک شعراى عراق نامیده اند و واسطه میان سبک خراسان و سبک شعراى هندوستانست بدین معنی که شعر فارسی نخست از سبک خراسانی بسبک عراقی بدل شده و از سبک عراقی بسبک هندی رفته است و پایه سبک هندی و بیشتر از خصوصیات آن نخست در گفتار برخی از شاعران عراق مخصوصاً کمال الدین اسمعیل

اصفهانى و كمال الدين خجندى و فخرالدين عراقى و شمس الدين حافظ گذاشته شده و اين روش را بايد سبك ناتوراليسم ايران دانست . درين روش شاعران بيشتر بمعانى دقيق و موشكافى پرداخته اند و تشبيهات نوين بكار برده اند .

(۱) شعراى عراق و فارس - شهرى و شهر اصفهان در زمان سلجوقيان در قرن ششم بمنتهى وسعت و آبادانى خود رسيد و دانشمندان بزرگ درين دوره كز ايران گرد آمدند . پادشاهان سلجوقى كه درين نواحى فرمانروايى داشتند پيروش دانشمندان و اديبان رغبت مى كردند و خاندانهاى ديگر كه درين دو شهر رياست داشته اند مخصوصاً خاندان صاعديان پيشواى حنفيان و خاندان خجنديان پيشواى شافعيان در اصفهان از تربيت دانشمندان کوتاهى نكرده اند . در فارس اتايبگان سلغرى نيز در حد خود از هر گونه دستياري کوتاهى نورديده اند . اين سلسله در سال ۵۴۳ بدست اتايبك مظفرالدين سنقر بن مودود سلغرى تاسيس شد و تا سال ۶۶۴ در فارس با استقلال حكمرانى كرد . از پادشاهان اين خاندان اتايبك مظفرالدين سنقر بن مودود (۵۴۳-۵۵۶) و اتايبك ابوشجاع سعد بن زنگى (۵۹۹-۶۲۸) خود بزبان فارسى شعر سروده اند و گروهى از شاعران ازیشان برخوردار شده اند . بهمين جهاتست كه در قرن ششم در عراق و فارس شاعران بزرگ بوده اند ، بدين گونه :

(۱) جمال الدين ابو محمد عبدالله بن عبدالرزاق اصفهانى معروف بجمال الدين عبدالرزاق بزرگ ترين شاعر عراق در قرن ششم بود . در اصفهان ولادت يافت و همه عمر خویش را در آن شهر گذراند و از جوانى بسخن سرايى آغاز كرد و از شاعران مخصوص خاندان صاعديان بود و در كنالدين ابوالعلاء سعد بن مسعود را مدح مى گفته و در ضمن مدايحى بنام ملك مازندران حسام الدين اردشير بن حسن (۶۰۲-۵۶۷) سروده است و اين مدايح را از دور بنام اومى ساخته و همى فرستاده است و نيز ملكشاه بن محمود و سليمان شاه بن محمد و ارسلان شاه بن طغرل بن ارسلان پادشاهان سلجوقى را مدح گفته است و سرانجام در اصفهان در ۵۸۰ در گذشت . جمال الدين يكى از شاعران بزرگ ايرانست و قصايدغرا دارد كه بر روش خاصى كه هم سبك عنصرى و هم سبك مسعود سعد بن سلمان در آن پديدارست سروده و مخصوصاً قصايد بسيار بلند در

نصایح و معارف دارد و دیوان وی شامل هشت هزار بیت بدست .
 (۲) شرف الدین عبدالمؤمن محمد بن فضل الله بن هبة الله بن محمد بن هبة الله بن حمزه شفروه اصفهانی، از خاندان بسیار معروفی از مردم اصفهان بوده که همه بمناسبت نام جدشان بشفروه معروف بوده اند و این کلمه مرکب از دو جزء است و جزء دوم آن از «به» گرفته شده مانند روزبه و خرداذبه و دادبه و نظایر آن، از خاندان وی مردان دانشمند بسیار برخاسته اند که در اصفهان و قزوین و شیراز معروف بوده اند و تا قرن هفتم زیسته اند. وی از بزرگان ادبای روزگار خویش بوده و در زبان فارسی و عربی دست داشته است. نخست مدح پادشاهان سلجوقی گفته و پس از انقراض این خاندان بمداحی اتابیکان آذربایجان پرداخته است چنانکه مدایحی بنام ارسال بن طغرل و طغرل ابن ارسال و اتابک جهان پهلوان و پسرش قزل ارسال دارد و در ضمن واعظی معروف و ادیبی مشهور بوده است از جمله مؤلفات وی بزبان تازی کنایست ادبی و معروف بنام «اطباق الذهب فی المواعظ و الخطب» که بسیاق کتاب معروف «اطواق الذهب فی المواعظ و الخطب» تألیف جابر الله ابوالقاسم محمود بن عمر بن محمد بن عمر زرخشری خوارزمی معتزلی (۴۶۷-۵۳۸) نوشته است و این کتاب که بزبان منشیانه فصیح نوشته شده قدرت وی را درین زبان مسلم می کند و دیوان اشعار وی شامل هشت هزار بیت باقیست .



ازین دو شاعر بزرگ که بگذریم در قرن ششم در عراق و فارس شاعران دیگر بوده اند بدین گونه : مجدالدین ابوالمجد عبد اللطیف بن هبة الله بن شفروه اصفهانی و عزالدین شفروه از همان خانواده شرف الدین شفروه و نظیر الدین عبدالله شفروه پسر عم او، زنگی شیرازی ، جمال الدین علوی کازرونی ، امیر سناء الدین ارقم فارسی ، قاضی فخرالدین دمراچی ، کمال الدین زیاده تهرانی ، علاء الدین خوارزی ، جمال الدین محمود خجندی و صدر الدین عبد اللطیف بن محمد بن ثابت خجندی مقتول در ۵۲۳ که هر دو از طایفه معروف خجندیان و پیشوایان شافعیان اصفهان بوده اند ، شرف الدین فضل الله قزوینی مؤلف تاریخ منجم که ذکرش خواهد آمد ، رضی الدین خشاب ، یافعی شافعی ، بدرالدین فارسی ، بدرالدین کرمانی ، حمید الدین کازرونی ، جمال نقاش اصفهانی

که برخى وی را با جمال‌الدین عبدالرزاق اشتباه کرده‌اند، جمال‌الدین ابهرى قزوینى، جلال‌الدین فضل‌الله خوارى و ازهرىک ازیشان ایبائى مانده است. دانشمند معروف ابن‌زمان اثیرالدین مفضل بن عمر ابهرى که مؤلفات معروف بفارسى و عربى دارد و ذکرش خواهد آمد نیز بزبان فارسى شعر گفته است.

۲- شعراى آذربایجان - در قرن ششم عدده کثیر شاعران بزرگ در آذربایجان زیسته‌اند و بیشتر بزرگان سرایندگان ایران درین ناحیه بوده‌اند. اتابیک ایلدگز که از غلامان مسعود سلجوقى بود حکمران آذربایجان شد و پس از چند سال استقلال یافت و چون در ۵۶۸ مرد پادشاهى آن دیار را برای فرزندان خود گذاشت و ایشان از ناتوانى سلجوقیان بهره‌مند شدند و برخى از نواحى را که جزو قلمرو آل سلجوق بود گرفتند و تا سال ۶۲۲ فرمانروایى داشتند و چون در بار ایشان با آداب دربار سلجوقى تشکیل یافته بود در ترویج زبان فارسى کوتاهى نکردند و بهمین سبب بیشتر شاعران معروف قرن ششم ایران چه در آذربایجان و چه در عراق ازیشان بهره‌مند شده‌اند بدین گونه :

۱- ابو بدیل افضل‌الدین ابراهیم بن ابوالحسن علی بن عثمان خاقانى شروانى، یکى از معروفترین شاعران درجه دوم ایرانست. در شهر شروان در حدود ۵۲۵ متولد شد و پدرش چهارمادرش از ترسایان نستوردی بود که مسلمانان با سارت آورده بودند. پس از مرگ پدر چندی از دسترنج مادر مى‌زیست و عمش کافی‌الدین عمر بن عثمان ازو نگاهداری مى‌کرد و بسبب دانش مى‌پرداخت. در همان زمان بشاگردى ابوالعلاى گنجوى آغاز کرد و بشاعرى پرداخت و نخست حقایقى تخلص کرد. در همین اوان بدر بار خاقان منوچهر شروانشاه که در حدود ۵۵۰ پادشاهى مى‌کرده است راه یافت و در سلك ستایش-گران دربار او پذیرفته شد و بهمین جهت خاقانى تخلص کرد. پس از مرگ وی نزد پسرش ابوالمظفر جلال‌الدین اخستان ماند و درین زمان دوبار بحج رفت و چون بار سوم اندیشه حج کرد و اخستان اجازه نمیداد از شروان گریخت، اما کسان خاقان وی را گرفتند و بند کردند و مدتی در زندان بود تا آنکه بشعاعبت سیفر روم رهایی یافت.

پس از آن از خدمت ممدوح خود کناره گرفت و بسفر حجاز رفت. وقتی نیز آهنگری و اصفهان و خراسان داشت اما بآنجا نرفته است. سرانجام در ۵۸۲ در تبریز درگذشت و در مقبرة الشعرا در محله سرخاب وی را بخاک سپردند. خاقانی یکی از دانشمندان زمان خویش بوده و بهمین جهت در شعر خود بمطالب علمی رایج آن زمان را بسیار آورده و ناچار شعری از آن روانی و سادگی گفتار معاصرانش دور شده و فهم آن بر کسانی که از آن مطالب آگاه نباشند دشوار است. اما هر جا که گرد فضایل و معلومات نگشته و نخواسته است دعوی دانش بکند سخن روان و در منتهای فصاحت و شیوایی سروده است. وی در زمان خویش بسیار معروف بوده چنانکه بارشیدالدین و طواط شاعر معروف در بار خوارزمشاهان مشاعره داشته است. دیوان وی شامل بیست هزار بیت در دست است و گاهی اشعاری بزبان تازی هم گفته است. بجز آن مثنوی معروفی دارد بنام تحفة الخواطر و زبدة الضمایر معروف بتحفة العراقین که پس از بازگشت از سفر حج در شروان در حدود سال ۵۵۰ در شش مقاله سروده و خود دو مقدمه بنثر بر آن نوشته و شامل سه هزار بیت است و در هندوستان چند شرح بر آن نوشته اند یکی شرح مولوی ابوالحسن، دیگر شرح مولوی کریم الدین، سوم شرح مولوی عبدالباری و چهارم شرح میر محمد اسمعیل خان ابجدی ملك الشعراي دربار والجاهی مدراس. برخی مکاتیب فارسی نیز از خاقانی مانده است و نیز شرحی بر قصاید و مقطعات او نوشته اند.

۲ - نظام! الدین الیاس بن یوسف بن زکی بن مؤید نظامی گنجوی، یکی از معروفترین شاعران زبان فارسیست و برخی وی را از تراز اول دانسته اند. در شهر گنجه در سرزمین ایران که اکنون از شهرهای آذربایجان شورویست و بکیرف آباد معروف شده است در حدود سال ۵۴۰ ولادت یافته و ظاهراً همه زندگی خود را در آن شهر گذرانده و تنها گاهی با طرف سفرهای کوتاه کرده است. اینکه برخی خاندان وی را از توابع قم و از روستای «تا» نزدیک تفرش دانسته اند درست نیست. شاید سفری به حج کرده باشد و روابطی که با پادشاهان عصر خود داشته از دور بوده است. در اواسط زندگی بنظم مثنوی آغاز کرده است و بیش از ۴۵ سال مشغول نظم پنج مثنوی معروف

شعراى قرن ششم تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی

خود بوده که پس از مرگ وی آنها را در مجلدی گرد آورده و بنام خمسه یا پنج گنج انتشار داده اند بدین گونه که در ۵۵۲ مخزن الاسرار را بنام ملك فخر الدین بهرام شاه حکمران اردنجان در ۲۴۰۰ بیت پایان رسانیده است. در ۵۷۶ بنظم خسر و شیرین آغاز کرده است نخست آنرا بخواش طغرل بن ارسلان سلجوقی آغاز کرده و چون درین ضمن وی در گذشته بودمی خواسته است بنام اتایک نصر الدین ابوبکر محمد پایان برساند و چون وی نیز در گذشته است پس از ۵۸۷ که آنرا پایان رسانیده بنام قرل ارسلان کرده است و این منظومه دارای ۷۷۰۰ بیت است. پس از آن لیلی و مجنون را در سال ۵۸۴ شامل ۵۱۰۰ بیت بنام خاقان ابوالمظفر اخستان شروانشاه و پسرش محمد پایان رسانیده است. سپس بهرام نامه یا هفت گنبد یا هفت پیکر را بنام علاء الدین کرب ارسلان آقسنقری چهار ساعت از روز رفته چهاردهم رمضان ۵۹۳ در ۵۶۰۰ بیت تمام کرده است. سپس بنظم اسکندر نامه شامل دو قسمت بنام شرف نامه و اقبال نامه آغاز کرده است. شرف نامه یا عقب نامه را که در هندوستان بنام اسکندر نامه ببری معروف شده است در ۵۹۷ بنام جهان پهلوان نصره الدین مسعود بن اخستان پایان رسیده است. اقبال نامه نامه رانیز پس از آن بنام همان پادشاه پایان رسانیده و تاریخ اتمام آن معلوم نیست و در هندوستان بنام سکندر نامه بحری معروف شده است. در شرف نامه ذکرى از پادشاهی که عزالدین لقب داشته نیز هست و او را عزالدین مسعود اتایک موصل دانسته اند و نیز برخی نصره الدین ممدوح نظامی را درین کتاب نصره الدین ابوبکر پیشکین اتایک آذربایجان گفته اند. شرف نامه روی هم رفته ۷۱۰۰ بیت و اقبال نامه ۳۷۰۰ بیت دارد و مجموع اشعار نظامی در خمسه نزدیک ۳۱۶۰۰ بیت است. برخی ویس و رامین فخر الدین اسعد گرگانی را که ذکرش گذشت بخط بنظامی نسبت داده اند و نیز داستان امیر احمد و مهستی را که در آغاز قرن هفتم نوشته شده است بخط ازو دانسته اند. در تاریخ رحلت نظامی اختلاف بسیار است و در ۵۷۶ و ۵۹۲ و ۵۹۶ و ۵۹۷ و ۵۹۸ و ۵۹۹ و ۶۰۰ و ۶۰۲ و ۶۰۶ نوشته اند و برخی پس از آن گفته اند اما آنچه درست ترمی نماید سال ۵۹۸ است که اندکی پس از اتمام نظم اقبال نامه در گذشته است و

قرآینی هست که پس از مرگ خاقانی رحلت کرده باشد. مزار وی در بیرون شهر گنجه هنوز باقیست و از زمانهای قدیم معروف بوده است. دیوان قصاید و غزلیات و رباعیات وی نیز شامل ۱۶۰۰ بیت است در دست است. نظامی در شعر از بزرگان ایران بشمارست و در فن خود که نظم داستانهای مختلف از روی روایات است که پیش از او ترتیب داده اند بر گروه بسیاری از شاعران ایران و هندوستان که از وی پیروی کرده اند برتری مسلم دارد. منتهی گاهی ترکیبات و تلفیقاتی در سخن خود آورده که مخصوص باوست و سخن سرایان پیش از وی بکار نبرده اند. در قصاید و غزلیات نیز سبک خاص بخود دارد که گاهی آمیخته بتصایح و معارفست و پیدا است که مردی دانشمند بوده است. در مخزن الاسرار خواسته است پیروی از شاعران متصوف پیش از خود بکند اما در آثار دیگر که پس از آن سروده دست ازین کار کشیده است.

۳- نجم الدین ابوالنظام محمد فلکی شروانی، در شهر شماخی در ناحیه شروان ولادت یافته و معاصر با خاقانی و نظامی بوده و با خاقانی روابط داشته است. همه عمر خویش را در دیار خود گذرانیده و بیشتر مداح ابوالهیجا شروان شاه منوچهر بن فریدون یکی از معدود حان خاقانی بوده و نیز در زمانی که گرجیان بر آن ناحیه دست یافته بودند مدایحی بنام طامار ملکه گرجستان (۵۸۰ - ۶۱۳) و دیمتری پسر داود مؤسس سلسله بقراتیان سروده است. سرانجام در سال ۵۷۷ در شماخی در گذشته و در آنجا وی را بخاک سپرده اند. فلکی در علم نجوم دست داشته و بهمین جهت فلکی تخلص کرده و از بزرگان شاعران آذربایجان بوده و روش خاصی در شعر داشته است که معانی دقیق در آن بسیار بکار برده است. دیوان وی شامل سه هزار بیت باقیست.

۴- ظهیر الدین ابوالفضل طاهر بن محمد فاریابی، اصلاً از مردم فاریاب نیشابور بود و در جوانی با آذربایجان رفت و بدربار اتابکان آن سرزمین پیوست و همه عمر خود را در آنجا گذرانید و اتابک ایلدگوز محمد جهان پهلوان را مدح گفته و در ضمن سفری باصفهان کرده و با آذربایجان باز گشته و سرانجام در تبریز در ۵۹۸ در گذشته و در مقبره الشعراى سرخاب مدفون شده است. وی کاعلا سبک شاعران عراق و با اصول ناتو الیسم سخن می گفته و این روش در سخنان وی آشکارتر از دیگرانست و معنایی

دقیق و مبالغات شاعرانه را گاهی بعد کمال رسانیده است. دیوان او شامل هفت هزار بیت در دست است.

۵ - اثیرالدین اخیسکتی تورانی، از مردم شهر اخیسکت در سرزمین فرغانه بود. در آغاز زندگی بقمستان رفت و مدتی مداح پادشاهان آن دیار بود. سپس بدربار سلجوقیان در عراق راه یافت و مداح ارسلان بن طغرل سلجوقی شد و در ضمن از امیر سید فخرالدین علاءالدوله عربشاه رئیس همدان که خواهرش فاطمه همسر ارسلان بن طغرل بوده مدح گفته است و سپس باذربایجان رفت و ستایشگر اتابک ایلام گز و قزل ارسلان شد و سرانجام در خلخال درگذشت. در گذشت وی را در سالهای ۵۶۳ و ۵۷۷ و ۵۷۹ و ۵۸۰ نوشته اند و این گفته اخیر رجحان دارد. اثیر از میان شاعران عراق بیش از همه درین روش مبالغه کرده و بهمین جهت شعروى دشوارتر از دیگران شده و معانی دقیق در گفته او بیشتر است. دیوان وی شامل ۶۵۰۰ بیت باقیست.

۶ - مجیرالدین بیلقانی از مردم بیلقان شهری در جنوب شرقی شهر شوشی کنونی در سرزمین اران بوده که اینک ویرانه‌ای از آن بنام «بیلقان میلار» در آذربایجان شوروی باقیست. در آغاز زندگی بشروان رفته و مداح شروانشاهان بوده است. سپس مدتی از شاعران دربار ارسلان بن طغرل سلجوقی بوده و عاقبت باتابیکان آذربایجان پیوسته و اتابک جهان پهلوان و قزل ارسلان و ابوبکر بن محمد را مدح گفته است و چندی از سوی ایشان در اصفهان جزو کار گزاران دیوان بوده و با شاعران اصفهان مهاجرات داشته و سرانجام بتیریز بازگشته و در آنجا بسال ۵۹۴ درگذشته و در مقبره الشعرا مدفون شده است. مجیر بیلقانی در عصر خود در شاعری منتهای شهرت را داشته و کاملترین نمونه سبک شعراى عراق از زمانده است. بهمین جهت مضامین او از مضامین ظهیر فاریابی دقیق تر و مضامین اثیر اخیسکتی نزدیک تر از دیگرانست. دیوانش شامل پنج هزار بیت در دست است.

۷ - نظام الدین ابوالعلاى آنجوى، قدیم ترین شاعر آذربایجان در قرن ششم و استاد خاقانی بوده اما میان وی و خاقانی کدورتی روی داده است. در زمان ابوالهیجا منوچهر شروانشاه بر شعراى دیگر برتری داشت و خاقانی راوى بدربار شروانشاهان

راه داده است و شاعران آذربایجان همه از او درس سخن بیروی کرده اند و از اشعار او اندکی به ما رسیده است .

۸ - **فخرالدین قوامی مطرزی گنجوی** که برخی وی را به خطا برادر نظامی دانسته و نیز با قوامی رازی که ذکرش گذشت اشتباه کرده و گفته اند ناخواسته است . از شاعران دربار اتایک قزل ارسلان بوده و در سرودن اشعار مصنوع بیشتر مهارت داشته و قصیده مصنوع او بهترین اشعار است که بدین روش سروده شده و آنرا برشید و طواط نیز نسبت داده اند اما بعید است که از رشید و طواط بوده باشد و بجز آن از اشعار وی اندکی مانده است .

۹ - **امیرالدین مسعود مهندس نخبجویانی** ، از شاعران و منجمان این دوره است که از احوال وی جزین اطلاعی نیست که در قران ستارگان در سال ۵۸۲ در دربار محمد بن ایلدگزمی زیسته و از شعرا و جزیک رباعی که در همین واقعه سروده چیزی به دست نیست .

گذشته ازین شاعران معروف چندتن شاعر دیگر در آذربایجان درین زمان زیسته اند بدین گونه : مفیثی گنجوی ، محمد خلیل ، کمال الدین مراغی ، عزالدین شروانی ، خطیب گنجه که ظاهراً پدر همان امیر احمد ابن خطیب گنجوی بوده است ، اقطع الدین بیلقانی و ازهریک ازیشان چند بیتی مانده است .

۳ - **عرفا و علما** قرق ششم ایران بکثرت عرفا و مشایخ بزرگ در تاریخ ایران امتیاز خاصی دارد و مشایخ بسیاری درین زمان می زیسته اند که بنظم و نشر آثار بزرگ از خود گذاشته اند ، چندتن از علمای معروف این قرن نیز بزبان فارسی شعر گفته اند :

۱ - **شیخ الاسلام ابو نصر احمد بن ابوالحسن نامقی جامی معروف باحمد** ژنده پیل یا احمد جام از بزرگان مشایخ ایران بود و در سال ۴۴۱ در قریه نامق یا نامه از توابع جام ولادت یافت و در سن بیست و دو سالگی در کسوت تصوف در آمد و بارشاد مردم پرداخت و جمع کثیری از مردم روزگار را بطریقه خود هدایت کرد بهمین

جهت از بزرگترین مشایخ ایران بشمارست و مقام بسیار رفیعی دارد. عاقبت در سال ۵۳۶ بسن ۹۵ سالگی در همان دیار خود رحلت کرده و مزار وی هم اکنون در همان ناحیه که امروز باسم تربت خوانند می شود برپاست و زیارتگاهست و بهمین جهت آن محل را تربت شیخ جسام می خوانند. احمد جسام در نظم و نثر پارسی مهارت کامل داشته و چند تألیف از وی مانده است یکی رساله سراج السایرین که در سال ۵۰۳ تألیف کرده و دیوان شعری شامل سه هزار بیت بدست است و دو مثنوی از او باقیست یکی باسم محبت نامه و دیگری باسم سوز و گداز و دیگر از مؤلفات اوست: اعتقادات، انیس المذنبین، انیس التائبین، بحار الحقیقة، تذکیرات، روضة المذنبین که در ۵۲۶ بنام سنجز نوشته است، رساله سمرقندیه، زهدیات، فتوح الروح، کنوز الحکمه، مفتاح النجاة و ابوالمکارم بن علاء الملک از باز ماندگانش کتابی در مناقب او باسم خلاصة المناقب نوشته و سدیدالدین محمد بن موسی بن یعقوب غزنوی کتاب دیگری در مقامات وی نوشته است و بهاءالدین جامی از باز ماندگان وی ساکن شیراز مقامات او را نظم کرده است.

۲ - ابو محمد روز بهان بن ابی نصر بقلی فسوی شیرازی معروف بشطاح و یاشطاح فارس از مردم فسای فارس و از بزرگان عرفای عصر خود بود و در شهر شیراز نفوذ بسیار داشت و در جامع عتیق آن شهر وعظ می کرد و در ضمن سفرهای بسیار کرده است و عاقبت در نیمه محرم ۶۰۶ در شیراز در گذشت و قبرش هم اکنون زیارتگاهست. روز بهان در نظم و نثر فارسی توانایی بسیار داشته، از شعر او اندکی باقیست ولی چند کتاب بفارسی و عربی از تألیفات او مانده است از آن جمله لطایف الیغان در تفسیر، مشرب الارواح، منطلق الاسرار، تفسیر عرایس بعربی، کتاب الانوار فی کشف الاسرار، صفوالمشارب فی العشق، رساله شطیحات بفارسی و عربی، کتاب قدسیه که هر یک از آنها در حد خود از کتابهای مهم تصوف است.

۳ شمس الدین محمد بن طغان کرمانی از بزرگان عرفای قرن ششم خراسان بود و در هرات در خانقاه سلطانی معتکف بود و پیشوای صوفیان عصر بشمار می رفت و کتب چند در فن خود تألیف کرده و منظومه ای در تصوف سروده است و از شعرا و جز اندکی باقی نمانده است.

۴) شهاب الدین ابوالفتح یحیی بن حبیب بن امیرک سهروردی معروف بشهاب الدین مقتول و شیخ اشراق یکی از بزرگترین علمای قرن ششم بود، در سهرورد از توابع زنجان ولادت یافت و در پی دانش سفرهای بسیار کرد و در علوم ادب و صرف و نحو و اشتقاق و لغت و منطق و معانی و بیان و کلام و تصوف و حکمت یگانه روزگار خود بود، پس از سفرهای بسیار در شهر حلب اقامت کرد و بترویج عقاید خاص خود پرداخت بهمین جهت مردم شهر دودسته شدند و گروهی باختلاف برخاستند و عاقبت دشمنان او چیره شدند و وی را در سال ۵۸۷ هـ کشتند و درین زمان در عنفوان جوانی بود. شهاب الدین مقتول مبتکر حکمت اشراق در فلسفه است و این طریقه را وی بنانهاده و اولین کسیست که در میان حکمت یونان و تصوف ایران تألیف کرده است و بهمین جهت در عصر خویش مخالف بسیار داشت ولی بعدها طریقه وی در میان دانشمندان اسلام رواج تام گرفت، وی را بزبان عرب تألیفات بسیارست که از معتبرترین کتب حکمت بشمار می رود مانند حکمت اشراق و هیاکل النور و مظارحات و تلویحات و شرح اشارات و اعتقاد الحکماء و الواح العمادیه و بارقات الالهیه و کتاب البروج و بوستان القلوب و کتاب البصیره و تنقیحات در اصول و دعوات الکو اکب و رمز الوحی و صندوق العمل و طوراق الانوار و رساله العشق و الغریبه الغریبه و لمحات و لواصع الانوار و کتاب المعارج و کتاب المقارومات و النغمات السماویه و النفعات فی الاصول الکلیه در تصوف و غیره، در زبان فارسی نیز قدرت بسیار داشته و در نظم و نثر توانا بوده و چند رساله در حکمت و تصوف بفارسی نوشته: مبدأ و معاد، آواز پر جبرئیل، صغیر سیمرغ، هیاکل فارسیه، یزدان شناخت و از شعر فارسی او اندکی بما رسیده

۵) عبدالخالق بن عبدالجلیل غجدوانی از مردم غجدوان دهی در شش فرسنگی بخارا و از مشایخ بزرگ سلسله نقشبندیه بود و پدرش عبدالجلیل امام از دانشمندان ساکن ملاحظیه روم و از اولاد مالک بن انس بود و بما وراء النهر رفت و وی در ملاحظیه بیجهان آمد و با پدر بدانجا رفت و از خلفای چهارگانه خواجه ابو یعقوب یوسف بن ایوب همدانی بشمار می رفت. همواره در دیار خود زیسته و در آنجا بسال ۶۱۷ در گذشته است و در

نظم و نثر فارسی مهارت داشته و بعضی کتب در تصوف و در طریقه خود تألیف کرده از آن جمله است رساله صاحبیه که در مقامات مرشد خود ابو یعقوب یوسف همدانی نوشته و رساله طریقت و از شعرا و چند بیت مانده است و کتابی بقسارسی در مقامات او نوشته اند .

۶) ضیاء الدین ابوالفضایل عبداللہ بن محمد میا نجفی همدانی ملقب بعین القضاة از بزرگان عرفای قرن ششم بود . اصلاً از مردم میانج آذربایجان بوده ولی همواره در همدان زیسته است و در زمانی که احمد غزالی در همدان بود دبوی ارادت و در زید و در سلك عرفا در آمده است و عمر خویش را بقضاوت و تدریس می گذرانده تا اینکه وی را بکفر متهم کردند و قوام الدین ابوالقاسم بن ناصر الدین حسن بن مظفر درگزینی وزیر سلطان سنجر فرمان داد تا وی را پوست کنند و بر در مدرسه ای که در همدان در آنجا درس میگفت آویختند ، این واقعه در سال ۵۳۳ روی داد . عین القضاة را تالیفات چند در تصوف بزبان فارسیست از آن جمله کتاب زبدة الحقایق معروف بتمهیدات و کتاب لوایح و کتاب تبیینات و یزدان شناخت و رساله جمالی در میان نسبت انبیا و قرآن و مکاتیب پیام مکتوبات که همه را بفارسی فصیح و استادانه نوشته و احمد غزالی رساله سوانح فی معانی العشق و تازیانه سلوک را بخواشش وی پرداخته است و در شعر فارسی و عربی نیز دست داشته است و بعضی از رباعیات از وی مانده که عده ای از آن ها را در کتاب زبدة الحقایق خود نقل کرده است . از مؤلفات او بزبان تازیست : شکوی الغریب عن الاوطان الی علماء البلدان ، قری العاشی الی معرفة العوران و الاعاشی ، المتقلد من التصریف ، امالی الاشتیاق فی لیالی الفراق ، منیة الحیسوب فی عمل حساب الهندسی ، غایة البحت عن معنی البعث فی النبوه و ما یعلق بها ، صولة البازل الامون علی ابن اللبون ، نزهة العشاق و نهضة المشتاق ، المدخل الی العربیه و ریاضت علومها الادبیه ، تفسیر حقائق القرآن .

۷) عزیز الدین بن محمد نسفی نیز از بزرگان عرفای قرن ششم ایران و مرید سعد الدین حموی بوده و در زمان جلال الدین خوارزمشاه و در فتنه مغول نیز زیسته است و از سپاهیان مغول از خراسان و ماوراءالنهر بفارس گریخت و در ابرقوه ساکن شد و در

آن جا بسال ۶۱۶ رحلت کرد و او را نیز بزبان فارسى فصیح مؤلفات چندست از آن جمله منازل السائرین و مقصد اقصی و کشف الحقایق و اصول و فروع و رساله‌ای در ترقی روح انسانی و رساله‌مبدأ و معاد که خلاصه‌ای از آن با اسم زبدة الحقایق پرداخته است و درین کتابها منتهای قدرت خود را در نثر فارسى ظاهر کرده و بعضی اشعار خود را آورده است .

۸) امام فخرالدین ابو عبدالله عمر بن حسین قرشى بکری رازی معروف با امام فخر رازی و ابن خطیب و ملقب با امام المشککین، اصل وی از طبرستان بود و در شهری در ۲۵ رمضان ۵۴۴ متولد شد و خاندان وی همه از دانشمندان زمانه بوده‌اند. نخست نزد پدر خود بتحصیل علوم پرداخت و پس از مرگ او نزد مجدالدین گیلانی که از حکمای معروف عصر بود شاگردی کرد و با وی سفری بمراغه رفت و چون بعراق بازگشت از معارف دانشمندان عصر خود شد و پادشاهان خوارزمشاهی بوی حرمت بسیار کردند و او را نزد خود خواندند و مدتی مدید در خراسان و خوارزم اقامت کرد و چندی نیز در ماوراءالنهر بود و مجموعه مناظراتی را که در ۵۸۲ در بخارا کرده خود در کتابی گرد آورده است و بعضی از مؤلفات خود در خوارزم بنام پادشاهان این سلسله پرداخته است و در سال ۵۹۵ که در هرات اقامت داشت با کرامیه هرات مخالف و رزید و فتنه شدیدی در هرات برپا شد و بیشتر در دربار سلطان محمد بن تکش خوارزمشاه زیسته است تا اینکه عاقبت در هرات روز دوشنبه عید فطر سال ۶۰۶ بسن ۶۲ سالگی رحلت کرد و در کوهی نزدیک قریه مزداخان از قرای هرات مدفون شد و مزار وی اکنون هم در آن ناحیه معروف و زیارتگاه است . امام رازی از بزرگان علمای ایرانست و در عصر خویش بمنتهی درجه شهرت بود و در تمام علوم متداول زمان دست داشته و تالیفات مهم در هر فنی کرده است ، مؤلفات وی بزبان عربی هریک در حد خود معروفترین کتاب فنست از آن جمله سرالمکتوم فی مخاطبة النجوم ، شرح اشارات ، محصل افکار المتقدمین و المتأخرین ، رساله فی کیفیت حدوث الحروف ، رساله فی کیفیت المعاد ، رساله فی بیان ان النفوس هل هی متحدة فی الماهية والحقیقه ، مفاتیح الغیب معروف بتفسیر کبیر ، کتاب المحصول ، اختیارات سماویه ، کتاب الهندسه ، مصادرات اقلیدس ، کتاب

فى الرمل ، احكام الاحكام ، مباحث العماديه فى مطالب العماديه ، مباحث المشرقيه ، مطالب العالميه ، معالم فى الاصول ، معالم فى الكلام ، تفسير فاتحه ، تهذيب الدلائل ، حدايق الانوار فى حقايق الاسرار ، خمسين فى احوال الدين ، رساله الكامله ، تحصيل الحق فى الكلام ، لوامع الينيات ، محصل فى اصول الفقه ، احكام العلاميه فى اعلام السماويه ، رساله فى الاخلاق نهايه العقول ، منطق الكبير ، برهان فى قرائة القرآن ، بحر الانساب ، اسرار التنزيل ، نموذج العلوم ، اساس التقديس ، المحصول فى علم الاصول ، الاربعين فى اصول الدين ، نهايه الايجاز ، نهايه العقول ، القضاء والقدر ، الخلق والبحث ، القراسه ، البيان و البرهان ، الملخص فى الحكمة ، المسائل الخمسون ، رساله النفس ، رساله النبوات ، شرح سقط الزند ، مناقب الامام شافعى ، شرح اسماء الله الحسنى ، لباب الاشارات ، گذشته اذنين كتابها ورسايل معروف كه عربى پرداخته بزبان فارسى نيز مؤلفات بسيار دارد ، از آن جمله : اختيارات العلاميه فى احكام السماويه ، تعجيز الفلاسفه ، جامع العلوم معروف بستينى ، لطايف غياتى ترجمه اسرار التنزيل . امام فخر رازى در شعر فارسى نيز استاد بوده و بعضى از مقطعات و رباعيات او بما رسيده است .

۹) فریدالدین بن جمال الدین سلمان دهلوی معروف بشکر گنج یا گنج شکر از معارف عرفای قرن ششم بود و از مشایخ بزرگ سلسله چشتیه بشمارست و از مریدان خواجه قطب الدین بختیار کاکی بود که سلسله ایشان با ابراهیم ادهم منبیه و نند وى از نژاد فرخ شاه کابلی بوده و در قصبه کهنتر بوال نزدیک مولتان ولادت یافته و از آنجا با قطب الدین بختیار دهلوی رفت و از آن پس در دهلوی میزیست تا در روز شنبه ۵ محرم سال ۶۰۸ در پنجاب رحلت کرد و همانجا مدفون شد و شیخ نظام الدین اولیا از مریدان وی بوده است ، فریدالدین شکر گنج شعراى فارسى را نیکومى سروده و بعضى رباعيات از و باقیست و نیز کتابى بنام راحة القلوب دارد .

۱۰) ابو حامد فریدالدین محمد بن ابى بکر ابراهیم بن مصطفی بن شعبان عطار نیشابورى از بزرگان عرفای ایران بود ، نسبت وی بابو ذرغفارى مى رسد و بقول ضعيفى در ۶ شعبان ۵۱۳ در قرية کدکن از توابع نیشابور متولد شده و بیشتر عمر خود را در شهر نیشابور گذرانده و بعطاری و دوا فروشى و طبابت مشغول بوده است . گویند

در اوایل عمر چندی در شهر مشهد زندگی کرده و سپس مرقد هر دو ازده امام را زیارت کرده و مدتی در مکه معتکف بوده و کوفه و ری و خراسان و سواحل جیحون و سیحون را سیاحت کرده و از راه چین و ختا بترکستان و هندوستان رفته و عاقبت بنیشابور باز گشته و تا آخر عمر در آنجا مقیم بوده است و در اوایل عمر منزوی بوده و اوقات را بجمع آثار عرفا و تألیف و نظم اشعار می گذرانده است، در باب رحلت وی اختلاف بسیار است و یازده قول مختلف در کتابها میتوان یافت: ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۹، ۵۹۷، ۶۱۰، ۶۱۷، ۶۱۹، ۶۲۱، ۶۲۷، ۶۳۲، ۶۳۳ بر کتیبه ای که درین زمان بر سر قبر وی در نیشابور باقیست و در زمان سلطان حسین بایقرا فرمان علیشیر نوایی ساخته شده تاریخ رحلت وی را ۵۸۶ نوشته اند و ظاهراً این قول معتبرترین اقوال نیست و گویا درست ترین تاریخ ۱۰ جمادی الاولی ۶۱۸ باشد. عطار را بزبان فارسی آثار بسیار است و بعضی آثار نیز بنام وی شهرت دارد که تردیدست از او باشد، در نشر فارسی کتاب تذکره الاولیاء از وی مانده که یکی از سلیس ترین کتابهای فارسی و بهترین نمونه سبک انشای عرفای ایران در قرن ششمست، اما در نظم گویند نزدیک بدویست هزار شعر سروده است، دیوان قصاید و غزلیات شامل ده هزار و صد بیت، مجموعه رباعیات او با اسم مختار نامه و خود در مقدمه ای که بنثر بر آن نوشته میگوید که شش هزار بیت رباعی سروده بود و خود نزدیک هزار بیت آنرا شسته و از میان برده و باز مانده را درین کتاب که شامل نوزده بابست تدوین کرده، مثنوی جواهر الذات شامل دو هزار بیت، مثنوی مظهر العجایب شامل چهار هزار بیت که از ۵۸۴ تا ۵۸۵ مشغول نظم آن بوده، مثنوی وصلت نامه، مثنوی بلبل نامه یا گل و بلبل شامل هزار بیت، مثنوی مصیبت نامه شامل هشت هزار بیت، مثنوی الهی نامه شامل هفت هزار بیت، اسرار نامه شامل دو هزار بیت، منطق الطیر شامل شش هزار بیت که بعد از ظهر سه شنبه بیستم ذی حجه ۵۷۳ تمام کرده است، خسرو گل یا گل و خسرو و یا خسرو نامه شامل هفت هزار بیت، اشتر نامه شامل هزار بیت، معراج نامه شامل هزار بیت، جواهر نامه، شرح القلب، وصیت نامه، پند نامه شامل هزار بیت، هیلاج نامه، خیاط نامه، بیسر نامه شامل سیصد بیت، حیدر نامه یا حیدری نامه، لسان الغیب شامل سه هزار بیت، هفت وادی که قسمتی از منطق الطیرست، سیاه نامه،

جواب نامه ، پسرنامه ، لیلی و معجون ، محمود و ایاز، مفتاح الفتوح ، کنز الاسرار ، صدپند ، گل و هرمز. کتابی هم بنثر باسم اخوان الصفا جزو مؤلفات او اسم برده اند ، اما ازین میان قطع است که مفتاح الفتوح و کنز الاسرار از عطار نیست و در بعضی دیگر نیز شکست و آنچه قطاً ازوست دیوان و رباعیات و منطق الطیر و اسرارنامه و مصیبت نامه و الهی نامه و خسرو نامه است و نیز فتوح نامه منظوم کوچکی دارد .

۱۱) مجدالدین ابوسعید شرف بن موید بن ابوالفتح بن غالب خوارزمی بغدادی از مردم بغدادك خوارزم بود و بهمین جهة بیغدادی معروف شده است . وی نیز از بزرگان عرفای قرن ششم ایران بود . در ۵۴۴ ولادت یافت و از شاگردان مشهور نجم الدین کبری بشمار میرفت و با وی در خوارزم میزیست و گذشته از مقام تصوف مردی دانشمند و طیب ماهری بود و مدتی در دربار پادشاهان خوارزمشاهی زندگی کرده و برادرش بهاءالدین بغدادی کاتب تکش خوارزمشاه بوده و وی عاقبت شیخ الشیوخ خوارزم شد و چون در میان وی و یکی از سرداران ترك سلطان محمد خوارزمشاه که زن وی لیلی نام از مریدان شیخ بود دشمنی روی داد سلطان محمد بوی اجازه داد و را بسبب تهمتی که بشیخ زده بودند بکشد این واقعه در سلخ جمادی الاخره ۶۰۷ روی داد و وی را در خوارزم بفنك سپردند و اینك مزارش نزدیک تربت نجم الدین کبری معروفست مجدالدین بغدادی در شعر فارسی دستی داشته و اشعار عارفانه را نیکو می سروده و بعضی از غزلیات و رباعیات او بما رسیده است و نیز برخی مکاتیب بفارسی و رساله سفر بفارسی از او مانده است .

۱۲) نجم الدین ابوالجناب احمد بن عمر خیوقی خوارزمی از مردم خیره خوارزم بود و چون در مباحثه بر همه کس غالب میشد او را طامة الکبری لقب داده بودند بهمین جهة بشیخ نجم الدین کبری معروف شده است و او را ولی تراش هم لقب داده بودند . وی بزرگترین عارف قرن ششم ایران بود و در زمان خویش منتهای حشمت و احترام را داشت و عده ای کثیر از بزرگان مشایخ ایران چون مجدالدین بغدادی و نجم الدین دایه رازی و سیف الدین باخرزی و سعدالدین حموی و رضی الدین علی لالا غزنوی و نورالدین عبدالرحمن اسفراینی و جمال الدین گیلی و بابا کمال جندی از

شاگردان و جانشینان وی بوده‌اند. عاقبت در فتنه مغول در زمانی که خوارزم بدست مغولان افتاد در سال ۶۱۸ کشته شد و در گرگانج خوارزم وی را بخاک سپردند. از نجم‌الدین کبری بعضی رسایل بزبان عربی در تصوف مانده است از آن جمله فوائج الجمال و فوائج الجلال و رساله الهائم و اصول العشره و رساله فی السلوک و رساله الطريق با اقرب الطرق الی الله و طول الع تنویر و لومه الدائم و هداية الطالبین و تفسیر در ۱۲ مجلد عربی و آداب المریدین و سکینه الصالحین و وصول الی الله و ده قاعده بفارسی و در شعر فارسی نیز توانایی داشته و بعضی رباعیات عارفانه بلند از وی به‌سازیده است. عبدالغفور لازمی از عرفای نامی قرن نهم رساله وی را در بیان طریق شطار بفارسی شرح کرده است.

(۱۳) سعدالدین محمد بن مؤید بن ابی بکر بن ابی الحسن بن محمد بن حمویه حموی از عرفای بزرگ قرن ششم ایران و از شاگردان درجه اول نجم‌الدین کبری و از مردم جوین بود و در آنجا بسال ۵۸۶ ولادت یافت، مدتی در خوارزم نزد نجم‌الدین کبری می‌زیست و از آن‌س با سیای صغیر رفت و در حلب و قونیه توقف کرد و با صدرالدین قونیوی و محیی‌الدین ابن‌العربی معشور بوده است و در عصر خویش از بزرگان مشایخ بشمار میرفته و پس از آنکه مدتی در سوریه در جبل قاسیون در مشق منزوی می‌زیست در اواخر عمر بخراسان بازگشت و در بحرآباد جوین اقامت گزید و در آنجا روز جمعه دهم ذی‌قعدة سال ۶۵۰ بسن ۶۳ سالگی رحلت کرد و همانجا مدفون شد. وی نیز در شعر فارسی زبردست بوده و رباعیات شیوا دارد و در تصوف کتابهای سکینه الصالحین و سجنجمل الارواح و کتاب‌المحجوب یا محبوب الاولیا و یا محبوب المحبین و مطلوب الواصلین را نوشته است که در آنها سخنان مرموز بکار برده است

۲ = قتی

نثر فارسی در قرن ششم از حیث اسلوب و کنایات و استعارات و مفردات و مرکبات تقریباً دنیاله نثر قرن پنجم بوده است. درین دوره یگانه روش تازه‌ای که در نثر فارسی معمول شده و در دوره‌های بعد نیز برخی از نویسندگان از آن پیروی کرده‌اند آنست که در نثریش از حد لزوم مفردات و مرکبات زبان تازی را بکار برده‌اند و بآیات و

احادیث و کلمات قصار و جمله‌ها و اشعار زبان عرب استشهاد کرده‌اند و کامل‌ترین نمونه آن درین دوره چنانکه پس ازین خواهد آمد در آثار احمد بن حامد کرمانی و زیدری و نصرالله بن عبدالحمید منشی شیرازی باقی مانده است. نویسندگان بزرگی این دوره بدین گونه‌اند:

(۱) ابو بکر عنیق بن محمد سور آبادی هروی از دانشمندان اوایل قرن پنجم و اوایل قرن ششم بوده و یگانه اثری که از او باقیست تفسیریست از قرآن که بنام البارسلان سلجوقی پرداخته است.

(۲) محمد بن حسین هروی نیز از دانشمندان اوایل قرن پنجم و اوایل قرن ششم بوده و یگانه اثری که از او باقیست کتابیست در تاریخ برمکیان یا براهکه بشر فارسی بسیار خوب و ظاهر آتراً از کتابی که ابوالقاسم بن غسان بزبان تازی نوشته بود ترجمه کرده است و از روش انشای او پیداست که درین زمان می‌زیسته است.

(۳) ابوالمعانی یا ابوالحسن محمد بن عبیدالله غزنوی از خاندان علویان خراسان بود و پدرانش بیشتر در بلخ می‌زیسته و نقابت خراسان را داشته‌اند و وی در پایان قرن پنجم و اوایل قرن ششم زندگی می‌کرده و در سال ۴۸۵ کتابی درباره مذاهب و ادیان بنام بیان الادیان نوشته است که قدیم‌ترین کتاب در ملل و نحل بزبان فارسیست که بمانده است.

(۴) ابوالمظفر شاهفور بن طاهر بن محمد اسفراینی، از بزرگان علمای عصر خود بوده و در فنون مختلف دست داشته و در ۴۷۱ درگذشته است. وی مؤلفات چند بزبان فارسی و عربی دارد از جمله تألیفات او بزبان تازی التبعیر فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن الفرق الهالکین و کتاب الاوسط در ملل و نحل و تفسیری از قرآن بزبان فارسیست، نام وی را گاهی شهفور هم نوشته‌اند که مخفف شاهفور یا شاهپور باشد.

(۵) ابوالمعالی نصیر الدین نصرالله بن محمد بن عبدالحمید مشرف شیرازی غزنوی از بزرگان ادبای این قرن بوده و در غزنین در دربار پادشاهان غزنوی می‌زیسته و سمت مشرف داشته است و در پایان زندگی از وزرای خسرو ملک بوده است. نخست در زمان عبدالرشید بن مسعود غزنوی بترجمه کتاب معروف کلیله و دمنه از ترجمه عربی

عبدالله بن المقفع آغاز کرده و در حدود سال ۵۳۹ در زمان بهرامشاه آنرا پایان رسانیده و بهمین جهت بکلیه و دمنه بهرامشاهی معروف شده است. وی ظاهراً در پایان زندگی گرفتار شده و در زندان او را کشته‌اند و بزبان فارسی نیز شعری گفته است.

۶) محمد بن غازی ملطیوی، از مردم ملطیه در آسیای صغیر و از ادبای معاصر سلجوقیان روم در پایان قرن ششم و اوایل قرن هفتم بوده است. از احوال وی اطلاعی نیست و تنها اثری که از او مانده کتاب روضة العقول است که شامل داستانهایی بتقلید کلیله و دمنه و مرزبان نامه است و بزبان فارسی فصیح نوشته است.

۷) قاضی حمیدالدین ابوبکر بن عمر بن محمود بن محمودی بلخی، از مشاهیر زمان خود و ادبای معروف آن عصر و قاضی شهر بلخ و مرد متنفذی بوده و با انوری مناسبات بسیار داشته و انوری کراراً او را مدح کرده و در سال ۵۵۹ در همان شهر بلخ در گذشته است و مؤلف کتاب بسیار معروفیست بنام مقامات و معروف بمقامات حمیدی که بتقلید از مقامات بدیع الزمان همدانی و مقامات حریری نوشته و در اواخر جمادی الاخره ۵۵۱ پایان رسانیده است و از کتابهای معروف ادبی زبان فارسیست.

۸) افضل الدین یا حمیدالدین ابو حامد احمد بن حامد کرمانی از بزرگان ادبای زمان خود بوده و در کرمان می زیسته و چندی نیز در خراسان بوده است و از تاریخ نویسان بزرگ زبان فارسی بشمار می رود و سه کتاب در تاریخ کرمان نوشته است یکی عقد العلی فی موقف الاعلی در تاریخ ملک دینار از فرمانروایان کرمان که در صفر ۵۸۴ پایان رسانیده، و دیگر بدایع الزمان فی وقایع کرمان که حوادث کرمان را تا سال ۶۰۱ در آن ضبط کرده و اصل کتاب از میان رفته اما محمد بن ابراهیم نامی که معلوم نیست کیست در قرن یازدهم همه مطالب آنرا بزبان ساده تر در کتابی بنام تاریخ سلاجقه کرمان ضبط کرده است و نیز تاریخ نویسان قرن هفتم و هشتم و نهم که آنرا بدست داشته، اند قسمت‌هایی از آنرا عیناً نقل کرده‌اند و پس از آن کتاب دیگری پرداخته است بنام المضاف الی بدایع الزمان فی وقایع کرمان که شامل حوادث از ۶۰۲ تا ۶۱۲ است و بدین گونه تا اوایل قرن هفتم نیز زیسته است.

۹) شرف الدین انوشیروان بن خالد بن محمد کاشانی، از بزرگان تاریخ ایران

درین دوره بود. در کاشان در ۴۵۹ ولادت یافت و نخست چندی از ۵۱۷ وزارت محمود سلجوقی را کرد و سپس وزیر مسعود شده و پس از آن از ۵۲۶ تا ۵۲۸ وزارت مستر شد بالله خلیفه عباسی رسید و معاصرانش وی را بزرگ میداشتند و شعرای زمان مخصوصاً بزبان تازی وی را بسیار ستوده‌اند و سرانجام در ماه رمضان ۵۳۲ در گذشت و حریری کتاب معروف مقامات خود را بدعوت وی نوشته است انوشیروان بن خالد از وزیران بسیار دانشمند ایران بوده و در نظم و نثر فارسی و تازی استاد بشمار می‌رفته و کتابی بزبان فارسی داشته است بنام نفثة المصدور و فتور زمان الصدور و صدور زمان الفتور که عمادالدین ابوعبدالله محمد بن صفی الدین ابوالفرج محمد بن نفیس الدین ابوالرجا کاتب اصفهانی معروف بابن اخی العزیز یا عماد کاتب متولد در ۵۱۹ و متوفی در ۵۹۷ آنرا بنام نصره الفقرة و عصره الفطرة بزبان تازی ترجمه کرده و سپس قوام الدین فتح بن علی بن محمد بنداری از ادبای نیمه اول قرن هفتم ایران آنرا بنام زبدة النصره و نخبه العصره تلخیص کرده است. انوشیروان بن خالد کتابخانه مهمی در کاشان دایر کرده بود که تا سال ۶۷۴ باقی بود.

(۱۰) **ظهیر الدین نیشابوری**، از شاعران و مورخان این زمان بوده و تنها اثری که از او باقیست کتاب سلجوقنامه است که در حدود ۵۸۲ تألیف کرده و برخی از مولفانی که پس از او بوده‌اند آنرا تهذیب کرده و در کتابهای تاریخ خود آورده‌اند و نیز راوندی در راحة الصدور مطالب آنرا مکرر کرده است.

(۱۱) **نجم الدین ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان بن محمد بن احمد بن حسین بن همت راوندی** از مورخان این دوره است که از خاندان فضل و دانش بوده است. نخست در اصفهان زیسته و سپس در عراق و همدان بوده و سرانجام بدربار سلجوقیان روم رفته و در آنجا در سال ۵۹۹ کتاب معروف راحة الصدور و آية السرور را در دربار غیاث الدین ابوالفتح کیخسرو بن قلیج ارسال سلجوقی و بنام وی بیابان رسانیده است که از کتابهای روان زبان فارسیست و در ضمن بزبان فارسی شعر گفته است.

(۱۲) **نظام الدین یا نجم الدین ابوالحسن احمد بن عمر بن علی نظامی عروضی** سمرقندی از دانشمندان ماوراءالنهر بوده که در فنون مختلف دست داشته است و سپس

بدر بار پادشاهان غور رفته و بیشتر بخدمت حسام الدین ابوعلی اختصاص داشته و چهل و پنج سال در خدمت این خاندان زیسته و در ضمن سفرهایی در خراسان کرده و با دانشمندان زمان خود مربوط بوده و از ۵۰۴ تا ۵۴۷ درین نواحی سفرهای متعدد کرده و در حدود سال ۵۵۰ کتاب جالب معروفی نوشته است بنام مجمع النوادر که چون شامل چهارمقاله در صفت دبیری و شاعری و نجوم و طبست بیچاره مقاله معروف شده و از یکی کتابهای معروف و ممتاز و فصیح زبان فارسیست و در شعر فارسی نیز دست داشته است.

(۱۳) ابونصر احمد بن نصر قباوی از ادبای ماوراءالنهر و شاید ساکن بخارا بوده است و از جزئیات احوالش آگاهی نیست جز اینکه در ۵۲۳ کتاب تاریخ بخارا را که ابوبکر محمد بن جعفر نرشی در ۳۳۲ بنام نوح بن نصر سامانی نوشته بود وی بفارسی بسیار خوب ترجمه کرده و اینک تلخیصی از آن که محمد بن زفر بن عمر کرده و ذکرش پس ازین خواهد آمد در دست هست.

(۱۴) محمد بن زفر بن عمر از ادبای ماوراءالنهر بوده و ظاهراً در شهر بخارا می زیسته و از احوال وی اطلاعی نیست جز اینکه کتاب تاریخ بخارا را که ابوبکر محمد بن جعفر نرشی در ۳۳۲ بنام نوح بن نصر سامانی بزبان تازی نوشته و ابونصر احمد بن محمد بن نصر قباوی در ۵۲۳ بفارسی ترجمه کرده وی در ۵۷۰ تلخیص کرده است و این کتاب از کتابهای جالب و فصیح فارسی ازین دوره است.

(۱۵) بهاء الدین محمد بن مؤید بغدادی برادر مجدالدین بغدادی عارف مشهور این دوره است که ذکرش گذشت. در دربار خوارزمشاهان و بیشتر منشی علاءالدین تکش بوده و تا ۵۸۸ زیسته است و از دبیران معروف و زبردست زمان خود بوده و مجموعه منشآت وی بنام التوسل الی التوسل یا رسالات بهایی در دستست.

(۱۶) اسحق بن ابراهیم بن ابوالرشید از نویسندگان نیست که از احوالش اطلاعی نیست و همین قدر پیدا است که در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم زیسته و مؤلف کتابیست در حکایات بفارسی فصیح و روان بنام فرائد السلوک فی فضایل الملوک که در ۶۱ تألیف کرده است.

(۱۷) محمد بن محمد بن محمد زنگی بخاری، از احوال وی نیز اطلاعی

نیست و کتابی ازو بدستست در حکایات بنام ترهة العاشقین که از روش انشای آن پیداست در قرن ششم یا اوایل قرن هفتم نوشته است . .

۱۸) بهاء الدین محمد بن حسین بن احمد خطیبی بکری بلخی معروف به بهاء الدین ولد پدر مولانا جلال الدین از مردم بلخ بود و نسبش بابوبکر خلیفه می رسید و مادرش از خاندان خوارزمشاهان بود ، از دانشمندان و مخصوصاً واعظان معروف عصر خود بشمار می رفت و مدتی در خوارزم می زیست و بواسطه اختلافی که با سلطان محمد خوارزمشاه پیدا کرد در ۶۱۰ از آن سرزمین هجرت کرد. در راه در نیشابور با فرید الدین عطار دیدار کرد و درین سفر بیخداد و پس از گذاردن حج با آسیای صغیر رفت و در شهرهای مختلف آن دیار مانند لارنده و ملاطیه و قونیه اقامت کرد و از ۶۱۷ بیعد در قونیه زیسته است و در آنجا در روز آدینه ۱۸ ربیع الثانی ۶۲۸ در گذشت . بهاء الدین ولد واعظ بسیار زبردست زمان خود بوده و سخن را فصیح و بایغ می گفته و مجموعه مواعظ او را بنام معارف یا کتاب المعارف جمع کرده اند .

۱۹) کمال الدین محمد بن جمال الدین ابو الروح لطف الله بن ابوسعید اسعد بن ابوطاهر سعید بن ابوسعید فضل الله بن ابوالخیر میهنی ، نواده ابو سعید ابوالخیر عارف مشهور قرن پنجم بوده و در حدود ۵۴۰ کتابی در مقامات و مناقب جد خود نوشته که بنام حالات و سخنان شیخ ابوسعید فضل الله بن ابوالخیر میهنی در دستست

۲۰) محمد بن منصور بن ابوسعید بن ابوطاهر بن ابوسعید ابوالخیر ، نواده دیگر آن عارف شهیر بوده است و وی نیز کتاب دیگری در مقامات و مناقب جد خود بنام اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید در حدود ۵۷۴ تألیف کرده است که از شاهکارهای زبان فارسیست .

۲۱) فخر الدین مبارکشاه محمد بن حسن بن محمد بن منصور بن سعید ابن ابوالفرج مروودی معروف بفخر مدبر نسبش بچهارده پشت بابوبکر خلیفه می رسید ، از بزرگان و زرا و ادبای عصر خود بود و در دربار پادشاهان غور

مانند علاء الدین و پسرش سیف الدین و غیاث الدین و شهاب الدین بیایگاه بلند رسیده بود و در فصاحت و نظم و نثر و کرم و سخاوت در زمان خویش نامبردار بود. سرانجام در شوال ۶۰۲ در گذشت و در نظم و نثر فارسی آثاری داشته از آن جمله یک مثنوی ببحر متقارب در تاریخ سلطین غور و دو کتاب نثر از او مانده است یکی آداب الحرب و الشجاعة که در آن فواید تاریخی بسیارست و نیز کتابی در شجره خاندان خود دارد بنام شجره انساب که مقدمه آن دارای مطالب تاریخی جالبست و بنام تاریخ فخرالدین مبارکشاه چاپ شده و گویند آنرا در ۶۰۳ پایان رسانیده و این البته درست نیست زیرا چنانکه گذشت در ۶۰۲ در گذشته است و شاید در همان سال وفات تألیف کرده باشد.

(۲۲) نجم الدین ابو حفص عمر بن محمد بن احمد بن اسمعیل بن محمد بن علی بن اقمان نسفی سمرقندی معروف بمفتی الثقلین از بزرگان علمای ماوراءالنهر ساکن سمرقند بوده در ۶۶۱ ظاهراً در شهر نسف یا نخشب ولادت یافته و در ۵۳۷ در سمرقند در گذشته است. وی از فقهای معروف حنفی در زمان خود بود و مولفاتی درین زمینه دارد از آن جمله منظومه‌ای در پانصد بیت و ده باب در اختلاف بین ائمه سنت و نیز رساله‌ای بفارسی در بیان اعتقادات اهل سنت و جماعت از او مانده است که در ماه رجب ۵۳۵ که سنجر بسمرقند رفته است از او خواسته‌اند و وی آنرا در کمال سلاست و فصاحت نوشته است و نیز کتاب القندی من علماء سمرقند ازوست که بفارسی نوشته است.

(۲۳) علی بن عبدالله بن معاذ حلیمی بخاری، از حکما و عرفای اوایل قرن ششم و اوایل قرن هفتم بوده و یگانه اثری که از او بدستست کتابیست در اخلاق و معارف و تصوف بنام بحر المعانی و صفو الامانی که در حدود ۶۰۱ پایان رسانیده و در آن نظم و نثر فارسی بسیار جالب بکار برده

(۲۴) قاضی محمد بن محمد بن نصر و انکتی، از دانشمندان ماوراءالنهر بوده و از احوالش جزین خبری نیست که کتابی بسیار جالب و در کمال فصاحت و دارای

مطالب تاریخی مهم در معارف و سلوک و تصوف بنام زادالمقویین نوشته و از روش انشای آن کاملاً پیداست که در همین عصر می زیسته است .

(۲۵) امام ظهیرالدین ابوالحسن علی بن ابوالقاسم زید بن محمد بن حسین بیهقی معروف بابن فندق نسبش بخزیمه بن ثابت ذوالشهادتین از یاران پیغمبر می رسید و از خاندان دانش بود، در بیهق در ناحیه سبزوار روز شنبه ۲۷ شعبان ۴۹۳ ولادت یافت و از دانشمندان جامع زمان خود بود که در علوم مختلف دست داشت و بزبان فارسی و تازی مؤلفات بسیار داشته است و در ۵۶۵ در گذشته است .

مؤلفات وی بزبان تازی بدین قرار است : مشارب التجارب و غوارب الغرائب در تاریخ زمان خود از سال ۴۱۰ تا ۵۶۰ که ذیلیست بر کتاب معروف تجارب الامم تألیف ابوعلی مسکویه ، اسئلة القرآن مع الاجوبه ، اعجاز القرآن ، الافاده فی کلمة الشهادة ، المختصر من الفرائض ، الفرائض بالمجدول ، اصول الفقه ، قرائن آیات القرآن ، معارج نهج البلاغه که یکی از قدیم ترین شروح برین کتابست ، نهج الرشاد فی الاصول ، کنز الحجج فی الاصول ، حلاء صداء الشک فی الاصول ، ایضاح البراهین فی الاصول ، الافاده فی اثبات الحشر و الاعاده ، تحفة الساده ، التحریر فی التذکیر ، الموقیعه فی منکر الشریعه ، تنبیه العلماء علی تمویه المشتبهین ، ازاهیر الریاض المریعه و تفسیر الفاظ المحاوره و الشریعه ، کتاب اشعار ، درر السحاب و درر السحاب فی الرسائل ، ملح البلاغه ، البلاغه الخفیه ، طرائق الوسائل الی حدائق الرسائل ، رسائل المتفرقه ، عقود اللئالی ، غرد الامثال و درر الاقوال ، الانتصار من الاشرار ، الاعتبار بالاقبال و الادبار ، وشاح دمیة القصر که ذیلیست بر کتاب دمیة القصر باخرزی در احوال و اشعار شاعران زبان عرب معاصر وی ، درة الوشاح تمة کتاب الوشاح ، اسرار الاعتذار ، شرح مشکلات المقامات الحریریة ، کتاب العروض ، ازهار اشجار الاشعار ، آداب السفر ، مجامع الامثال و بدائع الاقوال ، ذخائر الحکم ، شرح الموجز المعجز ، اسرار الحکم ، عرائس النفائس ، اطعمة المرضى ، المعالجات الاعتباریه ، کتاب السموم ، کتاب فی الحساب ، خلاصة الزیجد ، اسامی الادویه و خواصها و منافعها

معروف بتفاسیر العقاقیر ، جوامع الاحکام ، امثلة الاعمال النجومیه ، موامرات الاعمال النجومیه ، غرر الاقیسه ، معرفة ذات الحلق والکرة والاصطرب ، احکام القرانات ، ربیع العارفین ، رباحین العقول ، الاراحة عن شدائد المساحة ، المشتهر فی نقض المعبر دررد بر کتاب المعبر ابو البرکات بغدادی حکیم معروف ، بساتین الانس و دساتین الحدس فی براهین النفس ، مناهج الدرجات فی شرح کتاب النجاة کتاب معروف ابن سینا ، کتاب الامانات فی شرح الاشارات شرح کتاب دیگر ابن سینا ، رقیات التشبیہات علی خفایا المختلطات بالجداول ، شرح رساله الطیر رساله معروف ابن سینا ، شرح الحماسه ، الرساله العطاره فی مدح بنی الزناره ، تعلیقات فصول بقراط ، شرح شعر البحتری و ابی تمام ، شرح شهاب الاخبار ، تمه صوان الحکمه که ذیلیست بر کتاب صوان الحکمه ابو سلیمان محمد بن طاهر بن بهرام سکزی در احوال حکمای قدیم و اسلام و این کتاب را ناصر الدین بن عمده الملک منتجب الدین منشی یزدی مورخ معروف قرن هشتم بنام درة الاخبار و لمعة الانوار بفارسی ترجمه کرده است . از مولفات او بزبان فارسی کتاب الرسائل و عقود المضاحک و نصایح الکبراء و حصص الاصفیا فی قصص الانبیا علی طریق البلاغ و کتاب جوامع احکام النجوم و کتاب معروف تاریخ بیهق که در ۵۶۳ تألیف کرده است و شرح نهج البلاغه و معارج نهج البلاغه نام دارد ، کتاب دیگری ازو باقیست بنام لباب الانساب .

(۲۶) سید زین الدین ابو ابراهیم اسمعیل بن حسن بن محمد بن احمد حسینی قزوینی یکی از معروف ترین پزشکان ایران در سال ۴۳۴ ولادت یافت و بیشتر زندگی خود را در دربار خوارزمشاهان گذرانیده و از زمان قطب الدین محمد تازمان اتسز طیب دربار این خاندان بوده و ریاست بیمارستان خوارزم را داشته و سرانجام در ۵۳۱ درگذشته است . وی نخست کتاب بسیار جالبی بنام ذخیره خوارزمشاهی شامل همه مباحث طب بزبان فارسی بسیار فصیح در سال ۵۰۴ نوشته است و سپس خلاصه ای از آن بعنوان اغراض الطیبه و مباحث العالمیه بنام اتسز و وزیرش مجدالدین ابو محمد صاحب بن محمد بخاری ترتیب داده و پس از آن کتابی که باز

مختصر ترست بنام خفی علائی یا الخفیة العلامیة پرداخته است .

(۲۷) نصیرالدین ابوالرشید عبدالجلیل بن ابوالحسین بن ابوالفضل قزوینی رازی از دانشمندان شیعه ساکن شهرری بوده و در رد کتابی که يك تن از اهل سنت بنام بعض فضائح الروافض در رد بر شیعه نوشته بود کتاب بسیار جالبی بزبان فارسی بسیار روان پس از سال ۵۵۶ بنام کتاب النقص یا بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض نوشته است که فواید بسیار دربردارد .

(۲۸) شرفالدین محمد بن مسعود مسعودی مروزی بخاری حنفی ، از دانشمندان معروف مساوراء النهر درین دوره و ساکن بخارا و استاد رضی الدین نیشابوری شاعر معروف بوده است و از بزرگان علمای ریاضی و طبیعی و نجوم در زمان خود بشمار می رفته و کتابهای چند درین فنون نوشته است از ان جمله کتاب الکفایه فی علم الهیئه بزبان تازی که خود آنرا بنام جهان دانش بفارسی ترجمه کرده و در ۵۴۹ پیاپی رسانیده و نیز رساله ای بفارسی در آثار علوی دارد و شرحی بر خطبه غراء ابن سینا بزبان تازی و کتاب الهادی فی الفروع و کتاب المباحث والشکوک .

(۲۹) ظهیرالدین ابوالمحمّد محمد بن مسعود بن زکی غزنوی ، وی نیز از دانشمندان نامی این عصر بوده و در نجوم دست داشته و کتابی بفارسی بنام کفایة - التعلیم فی صناعة التنجیم نوشته که از ۵۴۰ تا ۵۴۲ مشغول تألیف آن بوده و شرف بر سوی متوفی در ۶۳۶ آنرا بنام مفاتیح النجوم و مصابیح العلوم تلخیص کرده است .

(۳۰) ابوالفتوح عبدالرحمن بن محمد نیشابوری ، از متصوفه قرن ششم خراسان بوده و پس از سال ۵۵۰ رساله قشیریّه تألیف ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری عارف مشهور در گذشته در ۶۵۰ را که از معروف ترین کتابهای تصوفست ترجمه روان و دقیقی کرده است . این کتاب را نخست یکی از شاگردان مؤلف که ابوعلی بن احمد عثمانی نام داشته ترجمه کرده بود و چون ترجمه وی دقیق نبود وی باین کار همت گماشته است .

(۳۱) ابن البلیخی ، از دانشمندان اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم در فارس .

بوده که از احوال وی اطلاعی نیست و یگانه اثری که از وهست کتاب فارس نامه است که در دستگاه رکن الدوله خمارتگین والی فارس از جانب محمد بن ملک شاه سلجوقی که مستوفی دیوان او بوده پیش از سال ۵۱۱ تألیف کرده است .

(۳۲) امام محیی السنه ابو محمد حسین بن سعید قراء بغوی از مردم بغشور در میان مرو و هرات و از بزرگان فقههای خراسان بوده و در ۵۱۶ در گذشته است . وی مؤلفات چند در تفسیر و حدیث و فقه دارد از آن جمله تفسیر معالم التنزیل و کتابی در فقه بفارسی نوشته است بنام الکفایه فی فروع الشافعیه یا کفایة فی الفقه که از کتابهای رایج فقه شافعی بزبان فارسیست .

(۳۳) ابو الفتح محمد بن ابوالقاسم عبدالکریم بن ابوبکر احمد شهرستانی شافعی اشعری ، از بزرگان حکمای متکلم زمان خود بود در ۴۶۷ ولادت یافت و از مردم شهرستان نزدیک نسا بود ، مدتی ساکن خوارزم و بغداد بود و در پایان زندگی در خراسان میزیست و چندی در دربار سنجر بود تا آنکه بزادگاه خود بازگشت و در آنجا بسال ۵۴۸ در گذشت . وی چند کتاب مهم بزبان تازی نوشته است یکی کتاب الملل والنحل که افضل الدین بن صدرالدین ترکه اصفهانی بفارسی ترجمه کرده و در ۸۴۳ پایان رسانیده است ، دگر کتاب المصارعه و این هر دو کتاب را بنام مجدالدین ابوالقاسم علی نقیب السادات ترمذی تألیف کرده و دیگر تلخیص - الاقسام لمذاهب الانام فی علم الکلام ، کتاب العیون والانهار ، کتاب المناهج والآیات یا المناهج والبیان ویا المناهج والبینات ، کتاب الارشاد الی عقائد العباد ، دقائق الاوهام ، کتاب المبدأ والمعاد ، شرح سورة یوسف ، کتاب الاقطار فی الاصول ، غایة المرام فی علم الکلام ، قصة موسی والخضر ، اسرار العباده ، تاریخ الحكماء ، نهاية الاقدام فی علم الکلام ، مفاتیح الاسرار ومصایح الابرار در تفسیر ، رساله در علم واجب الوجود . از جمله آثار وی که بزبان فارسی مانده مجلس وعظیست که در خوارزم کرده است .

(۳۴) جلال الدین ابوالفتوح حسین بن علی بن محمد رازی ، از دانشمندان بزرگ شیعه ساکن ری بوده و نسبش ببیدیل بن و رقاء خضاعی از صحابه می رسد و خانواده اش در نیشابور و بیهق و ری سکونت داشته اند و خود در ری از واعظان

معروف بوده و درین شهر در گذشته و مقبره‌اش اکنون در بقعه امامزاده حمزه در شاهزاده عبدالعظیم معروفست. وی مؤلفات چند داشته است از آن جمله شرح الشهاب شرح شهاب الاخبار ابو عبدالله محمد قضاعی و رساله یوحنا در رد مذاهب اربعه و رساله حسنیه در امامت و معروفترین کتاب او تفسیر بزرگیت بزبان فارسی بنام روض الجنان و روح الجنان که مهمترین کتابیست که درین رشته بفارسی نوشته‌اند و این کتاب را در میان سالهای ۵۱۰ و ۵۵۶ تألیف کرده است.

۳۵) ابوعلی حسن بن علی قطان مروزی، از حکما و پزشکان معروف زمان خود بوده است. پدران او از مردم بخارا بوده‌اند و وی در ۴۶۵ در مرو ولادت یافته و همواره در آن شهر می‌زیسته و کتابخانه بزرگی داشته که در ۵۳۶ لشکریان اتسز خوارزمشاه غارت کرده‌اند و سرانجام در ماه رجب ۵۴۸ که ترکان غز بر خراسان استیلا یافتند بدست ایشان اسیر شد و چندان در دهانش خاک ریختند که هلاک گشت. وی بزبان تازی و فارسی مؤلفات چند داشته از آن جمله کتابی در عروض فارسی و دیگر مشجر نسب ابی طالب و کتاب الدوحه در انساب و رسائلی در طب و معروفترین اثر او کتاب کیهان شناخت در علم هیئتست که در میان سالهای ۴۹۸ و ۵۰۰ تألیف کرده است.

۳۶) ابوحاتم مظفر اسفزاری، از بزرگان علمای ریاضی و نجوم در زمان خود بود و در تنظیم تقویم جلالی با عمر خیام و دانشمندان دیگر همکاری کرده و میزان ارشمیدس را که برای تمیز غش و عیار فلزاتست برای سلطان سنجر ساخته اما سعادت خازن خزانه‌دار سنجر از بیم آنکه خیانت وی در خزانه سلطان آشکار شود آنرا خرید کرد و ابوحاتم از شدت تأثر درین واقعه در گذشت و پیش از سال ۵۱۵ در گذشته است. وی مؤلفات بسیار در ریاضی و آثار علوی و جبر افعال و علم حیل و حرکات ستارگان داشته و آنچه از او مانده اختصار اصول اقلیدس بتازی و رساله آثار علوی یا کائنات جو بفارسی و دیگر رساله الشبکه بفارسیست. رساله کائنات جو را برای فخر الملک پسر نظام الملک نوشته که در محرم سال ۵۰۰ بدست فداییان اسمعیلی کشته شده است و رساله الشبکه در باره گوهرهاییست که صورت آنها متشکک باشد و آنرا برای برکیارق

پسر ملک‌شاه سلجوقی نوشته است .

(۳۷) **ابوسعبد محمد بن محمد غانمی هروی** نیز از دانشمندان مسلم زمان خود بوده و در هرات می‌زیسته و در علوم طبیعی و ریاضی دست داشته و مؤلفات چند داشته است یکی کتاب **الالوان یا هوان الالوان** و دیگر **قراضة طبیعیات** بفارسی که بشکل سؤال و جواب در مسایل طبیعی نوشته و بخط آنرا باین سینا نسبت داده‌اند .

(۳۸) **شرف‌الدین ابوالفضل حبیش بن ابراهیم متطبب تفریسی** ، از بزرگان دانشمندان این دوره بود و در علوم مختلف زبردست بوده است و در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم می‌زیسته و در ۶۲۹ درگذشته است . وی را مؤلفات چندست بفارسی و تازی و ازان جمله کتاب **کامل التعبير بفارسی** که برای قلع ارسال بن مسعود از سلجوقیان روم (۵۵۱ - ۵۸۴) نوشته است و رایج‌ترین کتاب درین زمینه است و دیگر از مؤلفات اوست : **بیان الطب بفارسی ، ملحة دانیال یا اصول الملاحم بفارسی ، کتاب القوافی بفارسی ، کفایة الطب بتازی ، بیان الصناعات در حیل و صنایع ، بیان التصریف بتازی ، قانون الادب در لغت عربی بفارسی ، بیان النجوم بفارسی و چند رساله دیگر .**

(۳۹) **بهاء‌الدین یا ظهیر الدین محمد بن علی بن محمد بن حسن ظهیری کاتب سمرقندی** ، از بزرگان ادبای ماوراءالنهر و از وزیران خاندان خاتیه یا آل افراسیاب و مدتی صاحب دیوان رکن‌الدین قلیج طمغاج خان بن مسعود بن حسین از پادشاهان این سلسله بوده است و چند کتاب جالب نوشته است یکی **اغراض السیاسة فی اعراض الریاسة** در آداب سلطنت که پس از ۵۵۲ نوشته است و دیگر **سمع الظهیر فی جمع الظهیر** و سندباد نامه که بنام همان قلیج طمغاج خان پرداخته است . این کتاب که از داستانهای معروفست ظاهراً از هند بایران آمده و در زمان ساسانیان پهلوی ترجمه شده و رودکی آنرا بنظم آورده است سپس در ۳۳۹ بفرمان نوح بن نصر سامانی (۳۳۱-۳۴۳) خواجه عمید ابوالفوارس فناووزی آنرا بزبان دری نقل کرده و سرانجام ظهیرالدین آنرا تهذیب کرده است .

(۴۰) **ابوالشرف ناصح بن ظفر بن سعدمنشی جرفاه‌قانی** ، از ادبای زبردست اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بوده و در **دربار جمال‌الدین الغبار بیک** آی ابه

از اتابکان لرستان می زیسته و در ۶۰۳ کتاب یمنی در تاریخ سبکتگین و محمود غزنوی تألیف ابونصر عتبی را بنام ابوالقاسم علی بن حسن وزیر بفارسی ترجمه کرده است .

(۴۱) بهاء الدین محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب ، معروف باین اسفندیار از ادبای طبرستان در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بوده و در دربار پادشاهان آل باوند می زیسته است . پیش از سال ۶۰۶ سفری ببغداد کرده بود و چون درین سال نصیرالدوله شمس الملوک رستم بن اردشیر باوندی کشته شد و مردم طبرستان بسالطان محمد خوارزمشاه پیوستند از بغداد بری آمد و در کتابخانه مدرسه شهنشاه غازی رستم بن علی بن شهریار کتابی را که ابوالحسن بن محمد یزدادی بزبان تازی در قسمتی از تاریخ طبرستان نوشته بود بفارسی ترجمه کرد و آنرا اساس کار خود قرار داد که کتابی در تاریخ طبرستان بفارسی بنویسد . در همین هنگام نامه ای از پدرش رسید و او را بطبرستان خواند و وی بآمل رفت و چندی در دستگاه پادشاهان طبرستان بود و سپس بخوارزم رفت و چندی در آنجا ماند و پس از پنج سال اقامت در آن دیار در بازار صحافان مجموعه ای بدستش افتاد که ترجمه ای از نامه تنسر مؤبدان مؤبد زمان اردشیر بابکان بگشمنسب شاه پادشاه طبرستان در آن بود که عبدالله بن المقفع آنرا بزبان تازی ترجمه کرده بود ، آنرا نیز بفارسی ترجمه کرد و مقدمه تاریخ طبرستان خود قرار داد و بدین گونه کتاب خود را در حدود سال ۶۱۳ پایان رسانیده است که یکی از مهم ترین کتابهای تاریخ ایرانست . بیش ازین از احوال و آثار وی اطلاعی نیست .

(۴۲) شمس الدین محمد بن قیس رازی ، از ادبای زبردست اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بوده است . از مردم ری بود و مدتی در خراسان و خوارزم و ماوراء النهر می زیست و چندی در بخارا و مرو بود و در فتنه مغول از آنجا بعراق آمد و مدتی در دستگاه سلطان محمد خوارزمشاه و در جنگها همراه وی بود و سرانجام در حدود سال ۶۲۳ بفارس رفت و بخدمت اتابک سعد بن زنگی (۵۹۹ - ۶۲۸) پیوست و از ندیمان او شد و پس از مرگ وی همین سمت را در دربار پسرش اتابک ابوبکر داشت و دیگر از احوال وی اطلاعی نیست . وی در فنون ادب مؤلفات چند داشته است

از آن جمله کتاب الکافی فی العروضین والقوافی در عروض و قوافی فارسی و عربی ، دیگر حدائق المعجم و معروف ترین کتاب او کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم است که در ۶۱۴ در خراسان بتألیف آن آغاز کرده و در حدود ۶۳۰ در فارس پایان رسانیده است . اصل این کتاب نخست بزبان تازی بوده و سپس آنچه را که درباره عروض و قوافی و بدیع فارسی بوده بدین گونه که اکنون در دست است استخراج کرده است و مهم ترین کتاب درین زمینه بشمار می رود .

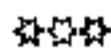
(۴۳) سید صفی الدین مرثضی بن داعی بن قاسم حسنی رازی ، از علمای شیعه اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بوده و از احوال وی اطلاعی نیست جز آنکه کتابی در ملل و نحل بفارسی تألیف کرده است که معروف ترین کتاب درین زمینه است بنام تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام یا تبصرة العوام فی تفضیل مذاهب الملتین که آنرا بخط برخی بابوالفتوح رازی دانشمند معروف که ذکرش گذشت و برخی بسید شریف علم الهدی ابوالقاسم علی بن حسین معروف بسید مرثضی عالم معروف شیعه (۳۵۵-۴۳۶) نسبت داده اند .

(۴۴) زین الدین عمر بن سهلان ساوجی ، از بزرگان حکمای ایران بوده است از جزئیات احوالش جزین اطلاعی نیست که نخست قاضی شهر ساوه بود سپس بنیشابور رفته و مدتی در آن شهر می زیسته و نسخهای کتاب شفای ابن سینا را بخط خود می نوشته و هر نسخه را صد دینار می فروخته و ازین راه زندگی می کرده است و کتابخانه ای معروف در شهر ساوه داشته که پس از مرگش برای سوکواری اوسوختند . بجزین از احوالش اطلاعی نیست و پیداست که پیش از سال ۵۶۵ که ابوالحسن بیهقی تلمه صوان الحکمه را نوشته در گذشته است . وی را در فتون مختلف حکمت و منطق و ریاضیات و نجوم بفارسی و عربی مؤلفات چندست از آن جمله کتاب البصائر النصیره در منطق که از معروف ترین کتابهای این فنست و برای نصیر الدین ابوالقاسم محمود بن مظفر بن عبدالملک بن ابی توبه مروزی خوارزمی نوشته که در ۴۶۶ ولادت یافته و از ۵۲۱ تا ۵۲۶ وزیر سنجر بوده است ، دیگر شرح رساله طیر ابن سینا بفارسی ، تبصره در منطق بفارسی ، رساله نقیض مطلقه یا رساله فی تحقیق نقیض الوجود بفارسی ،

رساله در منطق بفارسی ، التوطئه ، الرسالة السنجریه فی الکائنات العنصریه بفارسی که برای سنجر نوشته است ، کتابی در حساب و مؤلفات دیگری هم داشته است که پس از مرگش سوزانده اند .

(۴۵) محیی الدین ابو محمد عبدالقادر بن ابوصالح عبدالله جنگی دوست بن ابو عبدالله بن یحیی الزاهد بن داود بن موسی بن عبدالله بن موسی الجن بن عبدالله المحض بن حسن المثنی بن حسن بن علی بن ابوطالب جیلی گیلانی ، از بزرگان عرفای ایران ، در ده نیف در خاک گیلان در رمضان ۴۷۰ ولادت یافت و در ۱۸ سالگی برای کسب دانش به بغداد رفت و علوم متداول زمان را از دانشمندان معروف آن شهر فرا گرفت و در بغداد ساکن شد و از واعظان معروف آن شهر و در ضمن وارد حلقه تصوف شد و فرقه مخصوصی را تاسیس کرد که بمناسبت نام وی بطریقه قادری معروفست و هنوز در عراق و ترکیه و سوریه و شمال افریقا و هند و پاکستان و افغانستان پیروان بسیار دارد و مریدانش وی را « غوث اعظم » لقب داده اند . سرانجام در بغداد در ۱۱ ربیع الثانی ۵۶۱ در گذشت و قبرش از زیارتگاه های معروف بغدادست و اوقاف بسیار دارد و متولیان اوقاف آن بنام جیلی و جیلانی معروفند . وی در عصر خود شهرت و نفوذ بسیار داشته و جمعی کثیر پیرو طریقه او بوده اند و فرزندان متعدد داشته که بازماندگان ایشان تا مدت های دراز در تاریخ معروفند . وی مؤلفات بسیار دارد از آن جمله است : الغنیه لطالب طریق - الحق ، الفتح الربانی ، فتوح الغیب ، حزب بشائر الخیرات ، جلاء المخاطر ، المواهب - الرحمانیه و الفتوح الربانیه فی مراتب اخلاق السنیه و المقامات العرفانیه ، بواقیت الحکم ، الفیوضات الربانیه فی اوراد القادریه ، مجموعه مکاتیب و مواعظ او بفارسی نیز در دستست و دیوان اشعار فارسی او نزدیک هزار بیت غزل باقی مانده است . در مناقب و مقامات وی کتابهای بسیار بفارسی و عربی نوشته اند و تا کنون درباره هیچ یک از مشایخ تصوف تا این اندازه کتاب نوشته نشده ، آنچه بفارسیست عبارتست از کتاب حجة البیضا فی رداهل الطغی تالیف محمد مرید محیی الدین حنفی قادری نقشبندی پشاورى و کتاب ذهاب الصواب تالیف علی قادری و کتاب نسایم یا نسائم القادریه یا نسائم الغوثیه که مؤلف آن معلوم نیست و تفریح المخاطر فی مناقب عبدالقادر تالیف محمد صادق

قادری شهابی صدری که عبدالقادر بن محیی‌الدین اربلی قادری عربی ترجمه کرده و آنچه بزبان تازیست بدین گونه است: *قالندالجواهر* تألیف محمد بن یحیی تادفی حنبلی، *بهجة الاسرار* و *معدن الانوار* تألیف نورالدین ابوالحسن علی بن یوسف بن جریر لخمی شطنوفی شافعی متولد در ۶۴۴ و متوفی در ذی‌الحججه ۷۱۳، *روضه الناظر* تألیف فیروز آبادی، *غیبه الناظر* تألیف شهاب‌الدین احمد ابن حجر عسقلانی، *انوار الناظر* تألیف ابوبکر عبدالله بن نصر بکری بغدادی، *انتهی المفاخر فی مناقب عبدالقادر* تألیف همان مؤلف، *در الجواهر* تألیف سراج‌الدین امر بن علی معروف بابن الملقن، *نزهة الخاطر* فی ترجمه سیدی‌الشریف عبدالقادر تألیف ملاعلی بن سلطان محمد قاری متوفی در ۱۰۱۶، *در الفاخر* تألیف عبدالقادر یمنی، *نزهة الناظر* تألیف علی بن عبداللطیف بغدادی، *الشرف الباهر* و *مناقب الشیخ عبدالقادر* هر دو تألیف امام قطب‌الدین موسی متوفی در ۷۲۶، *روض البساتین فی اخبار مولانا السید عبدالقادر* تألیف محمد الامین تونسلی، *انهار المفاخر* تألیف محمد غوث‌الدین شافعی مدرسی، *الروض الظاهر فی مناقب عبدالقادر* تألیف ابوالعباس احمد قسطلانی. گذشته ازین کتابهای فارسی و عربی محمدعلی عینی نیز کتابی بزبان فرانسه نوشته است. کتاب *فتوح الغیب* وی را شیخ عبدالحق محدث دهلوی از دانشمندان معروف هند بفارسی ترجمه کرده است. *طریقه قادری* با همه رواجی که در خارج از ایران در همه کشورهای اسلام داشته در ایران بجز کردستان چندان رایج نشده است و سبب آن درست معلوم نیست.



بجزین کتابهای مهم زبان فارسی که درین دوره تألیف شده سه کتاب بسیار جالب نیز درین زمان نوشته شده است: نخست ترجمه کتاب *الفتوح* ابو محمد احمد بن اعثم کوفی متوفی در ۳۱۴ است که در تاریخ خلفای راشدین و فتوح ایشان نوشته شده است. این کتاب را نخست مؤید الملک قوام‌الدین وزیر در ۵۹۶ که در تایباد خراسان بود به محمد بن احمد بن ابوبکر بن احمد مستوفی زاوی ملقب بر رضی الکاتب دستور داده است بفارسی ترجمه کند و چون وی قسمتی را از آن ترجمه کرده در گذشته است و پس از مرگ او

محمد بن احمد بن ابی بکر مابیزنابادی ترجمه آن را پایان رسانیده و از بهترین کتابهای نثر فارسیست .

دیگر کتابیست بنام مجمل التواریخ و التخصص که مؤلف آن معلوم نیست و در سال ۵۲۰ نوشته شده است و کتاب بسیار سودمند است در تاریخ عمومی تا زمان مؤلف که بزبان بسیار فصیح و روان نوشته شده و همین قدر معلومست که مؤلف وی از مردم همدان بوده است .

دیگر داستان سمک عیارست که فرامرزبن خداداد بن عبدالله کاتب ارجسانی حکایات آنرا جمع کرده و از زبان ابوالقاسم نامی گرد آورده و همه داستانهای آن ایرانیست و پهلوان عمده آن سمک عیار نام دارد و این داستانها را فرامرزبن خداداد از صدقه بن ابوالقاسم شیرازی نقل کرده است و در روز سه شنبه چهارم جمادی الاخره ۵۸۵ بگرد آوردن و نوشتن آن آغاز کرده است و از بهترین نمونههای نثر فارسی روان در قرن

در قرن هفتم یکی از ناگوارترین حوادثی که ممکنست برای ملتی پیش آید ملت ایران را روی داد و آن فتنه مغول بود که در سال ۶۱۶ ظاهر شد . سپاه چنگیز خان در غره ذیحجه ۶۱۶ شهر بخارا را قتل و غارت کرد و این نخستین شهری بود که از قلمرو ایران بدست سپاهیان خونخوار نامردم مغول افتاد . سلطان جلال الدین منکبرنی خوارزمشاه که تا سال ۶۲۸ هم زنده بود یارای برابری با سپاه مغول نداشت و همواره در جنگ و گریز بود و درین جنگها لشکریان چنگیز بتدریج تمام شهرهای خراسان و عراق را بخراب و خون کشیدند و سیاهی که حداقل آنرا هشتصد هزار دانسته اند از بخارا تا همدان را میدان ترکتازی و قتل عام قرار دادند و چندان مصایب در ایران روی داد که در تاریخ هیچ ملتی نظیر آن نیست . این گریز و فرار تا سال ۶۳۲ یعنی مدت شانزده سال کشید و درین مدت مردم دیار ما دقیقه ای آسایش و امان نداشتند . جمعی کثیر که کمترین شماره آنرا یک میلیون و ششصد و ده هزار

نوشته اند در خانه های خود بی گناه کشته شدند و شاید عده دیگر بهمین اندازه در میدانهای جنگ جان سپرده باشند و شهرهای بزرگ ایران که بیشتر آنها سابقه ششصد سال تمدن داشتند مانند بخارا و سمرقند و ترمذ و بلخ و غزنین و هرات و مرو و طوس و دامغان و ری و قم و قزوین و زنجان و همدان و مراغه و نیشابور و اصفهان با خاک و خون یکسان شدند و حتی در بعضی شهرها مانند نیشابور زنان و کودکان را هم کشتند. پس از آن تا سال ۶۵۰ بازمغول در ایران بکشتار و کشورگیری سرگرم بود و فقط درین سال هولاکو خان پادشاه مغول که خواست در ایران پادشاهی کند و بعمال ایرانی محتاج بود امن و آسایشی درین مملکت برقرار کرد و بهمین جهت مدت نزدیک پنجاه سال از اوایل قرن هفتم درین دار و گیر هولناک سپری شد و این حوادث رمق از مردم ایران گرفته بود، بهمین جهت ادبیات ایران تا مدتها در ضعف و انقراض بود، چه عده کثیری از دانشمندان ایران درین میان کشته شدند و آنان نیز که جان بدر بردند بخارج از ایران یعنی بهندوستان و آسیای صغیر که قلمرو سلجوقیان روم بود پناه بردند و ایران از مردم تهی شد. مخصوصاً ضرر بزرگی که متوجه ایران گشت این بود که در مدت چهارصد سال که از تمدن اسلامی ایران گذشته بود علوم و ادبیات باوج کمال خود رسیده بود و اگر وقفه پیش نمی آمد قطعاً بجای بالانتر میرسید چنانکه یکی از چند تن از ادبا و علمای ایران که بهندوستان و آسیای صغیر گریختند چنان اساسی گذاشتند که مدت هفتصد سال در هندوستان در دربارهای سلاطین مسلمان مخصوصاً در دربار پادشاهان بابری و در قلمرو عثمانی در دربار پادشاهان آل عثمان باقی ماند و حتی در زمانهایی که در ایران ضعف و فتوری پدیدار می گشت در آن ممالک جبران می شد. دوره ترقی ادبیات در ایران از اواسط قرن هفتم دوباره آشکار شد و سبب آن بود که جانشینان هولاکو برای کشوربانی بایرانیان محتاج بودند و اندکی بعد در ماه محرم ۶۸۱ که تگودار بجای پدرش ابقاخان پادشاه شد با اسم سلطان احمد مذهب اسلام را پذیرفت و عنصر ایرانی بر عنصر مغول غلبه یافت و از آن ببعد مغولانی که در ایران بودند از حیث آداب و رسوم و تمدن ایرانی

شدند. این تغییر مهم بواسطه مساعی خواجه نصیرالدین محمدطوسی ندیم هولاکو-
خان و خاندان جوینیان مخصوصاً شمس الدین محمد صاحب دیوان جوینی وزیر ابقاخان
حادث شد. بهمین جهتست که در نیمه اول قرن هفتم ضعیفی در ادبیات پدیدار
است و بالعکس در نیمه دوم این قرن دوباره دوره تجدد و عظمتی ظاهر می شود و ادبا
و علمایی که درین دوره دوم زندگی کرده اند چون مجدد علوم و ادبیات و محیی رسوم
قدیم بوده اند مقام بسیار شامخی در ایران دارند.

فتر فارسی در

نژاد مغول همواره بتاریخ اهمیت بسیار می داده و چون مغولان پیداشاهی
ایران رسیدند تاریخ نویسان را تشویق بسیار کردند و در زمان ایشان یکی از
شریف بن مشاغل شغل مورخ بود، بهمین جهت کتاب بسیار بنثر فارسی در تاریخ تألیف
کردند و چون لازمه تاریخ نویسی سبک روان بی پیرایه است سبک نثر نویسی که در
اواخر قرن ششم اندک اندک پیچیده و مغلق شده بود و رو بفساد میرفت دوباره روان
و ساده شد و نثر به مراتب بیش از نظم ترقی کرد. نویسندگان بزرگ ایران درین دوره
بدین قرار بودند:

(۱) ابو عمرو منهج الدین عثمان بن سراج الدین محمد بن منهج الدین
عثمان بن ابراهیم بن عبدالخالق جوزجانی، متولد در ۵۸۹ و متوفی در ۶۹۸ نخست
در غور ساکن بوده و در ۶۲۲ و ۶۲۳ بسفارت سیستان و سپس به هندوستان رفته است،
مؤلف کتاب بسیار فصیح معتبر است با اسم «طبقات ناصری» که در ۶۵۸ تمام کرده و شامل
تاریخ هندوستان است از قدیم ترین زمان تا سلطنت ناصرالدین محمود شاه از پادشاهان
غوری هند.

(۲) ابوالشرف ناصح بن ظفر بن سعد هندی جرفادقانی، مؤلف ترجمه کتاب
تاریخ یمینی ابونصر محمد بن عبدالجبار عتبی که تاریخ غزنویانست و برای سلطان
محمود غزنوی نوشته شده و وی آنرا بنام شمس الدوله غازی بیک ایدقمش از اتابکان
لرستان و بدستور وزیر او ابوالقاسم علی بن حسن بن محمد بن ابوحنیفه تمام کرده است.

(۳) **خواجه عظاملك علاء الدين بن بهاء الدين محمد بن شمس الدين محمد جوینی** ، برادر كوچكتر شمس الدين صاحبديوان جوینی . خاندان وی یکی از معروفترین خانواد های وزرا و ادبای ایرانست و پدران و برادر و برادر زادگان او در وزارت و دبیری و ادبیات معروفند . خود در سال ۶۲۳ متولد شد و در بیست و سه سالگی که پدر و برادرش از عمال دربار جلالالدین خوارزمشاه بودند وارد خدمت دربار شد و بعد از آنکه برادرش بخدمت هولاکو خان وارد شد وی نیز جزو عمال دربار مغول درآمد و در دربار ابقاخان و تگودار احمد و ارغون خان مقام رفیعی داشت، درین ضمن در سال ۶۵۷ که شهر بغداد جزو قلمرو مغول شد حکمرانی ایالت بغداد را بوی سپردند ولی چون تگودار احمد پیداشاهی رسید و میان وی و ارغون خان تقار بود و خاندان جوینی بارغون خان بستگی داشت در سال ۶۸۱ عظاملك از حکمرانی بغداد عزل شد و پس از مدتی زندگی در انزوا در روز یکشنبه چهار ذیحجه همان سال در آن وفات یافت . عظاملك جوینی از بزرگان مورخین نویسندگان ایرانست و در نشر فارسی منتهای قدرت را داشته فقط در استعمال کلمات و جمل و ترکیبات عربی گاهی افراط کرده است . تاریخ جهان گشای که بجهان گشای جوینی معروفست مهمترین تألیف اوست که از ۶۵۰ تا ۶۵۸ طول کشیده و شامل سه مجلد است: مجلد اول در تاریخ چنگیزخان و فرزندان او تا کیوک خان، مجلد دوم در تاریخ خوارزمشاهان و مجلد سوم در تاریخ اسمعیلیان الموت ، گذشته از آن مؤلف رساله ایست باسم تسلیة الاخوان که در اواخر عمر خویش و در شرح مصایب خود نوشته است .

(۴) **بهاء الدين محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب** ، از مردم طبرستان بود . کتاب تاریخ طبرستان تألیف اوست که شامل وقایع این ناحیه از ایران تا سال ۱۱۳ است که در آن سال پایان رسیده و گذشته از آنکه قدیمترین کتاب در تاریخ طبرستان است که باقی مانده انشای بسیار فصیح دارد و فقط اندکی در کثرت استعمال لغت عربی افراط کرده است .

۵) خواجه نصیرالدین ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، پدرش از مردم ساده بود و در طوس اقامت داشت و وی در شهر طوس روز شنبه یازدهم جمادی الاولی ۶۰۷ ولادت یافت و در جوانی بواسطه حوادث خراسان بقمستان رفت و بدر بار ملک ناصرالدین ابو الفتح عبدالرحیم بن ابی منصور معروف بمحتشم حکمران قمستان پذیرفته شد و در آنجا کتاب اخلاق ناصری و رساله سیر و سلوک را بنام او پرداخت و سپس چندی در قمستان بزندان افتاد و چون ملک ناصرالدین نزد علاءالدین محمد پادشاه اسمعیلیه الموت رفت او را بهمان حال با خود برد و وی تا انقراض این سلسله در ۶۵۵ در محبس الموت بود و چون هولاکو خان این سلسله را منقرض کرد خواجه را بخدمت خود اختصاص داد و پس از آنکه مراغه را پایتخت خود قرار داد رصدخانه‌ای در آنجا ساخت و کتابخانه‌ای ترتیب داد و تمام کتابهایی را که سپاهیان مغول از هرجا آورده بودند و شماره آنها از چهارصد هزار هم بیشتر نوشته‌اند در آنجا جمع کرد و این مؤسسه علمی بزرگ را بخواجه سپرد و جمعی از علماء را بخدمت او گماشت و وظیفه بریشان مقرر کرد و وی هم چنان مشغول تألیف و تدریس بود تا اینکه در سفری که ببغداد کرده بود روز دوشنبه ۱۸ ذیحجه ۶۷۲ در ۶۵ سالگی رحلت کرد و وی را در کاظمین بخاک سپردند. خواجه نصیرالدین یکی از بزرگان علمای اسلام و یکی از مشاهیر ایرانست. در زمان خویش معروفترین علمای دوران بود و در ریاضیات و حکمت و نجوم و سلوک و تصوف و کلام یکی از معتبرترین علمای اسلامست. مؤلفات او بفارسی و عربی در علوم مختلف بیش از صد و شصت جلد کتاب معروفست و از جمله بعضی کتب عربی او در منتهی درجه شهرتست مانند تحریر اقلیدس، تحریر معسطی، تحریر الکرة لمانالوس، تحریر کتاب الاکثرنا و ذوسیوس، تحریر کتاب الماخوذات، تحریر کتاب المعطیات، تحریر کتاب الکرة المتحرکه، تحریر معرفة مساحة اشکال البسیطة و الکرویه، تحریر کتاب اللیل و النهار یا کتاب الایام و اللیالی، تحریر کتاب المناظر، تحریر کتاب جرمی الثیرین و بعدیهما، تحریر طلوع و غروب، تحریر مطالع، تحریر کتاب المقررات، تحریر کتاب ظاهرات الفلک، تحریر کره و استوانه، تحریر

كتاب المساكن ، الاسطوانات ، المخروطيات ، احوال خطوط منحنية ، كشف القناع عن
 اسرار شكل القطاع ، تربيح الدائره ، رسالة في انعطاف الشعاع وانعكاسه ، تسطيح الكرة
 والمطالع ، ردبر مصادره اقليدس ، رسالة الشافيه عن الشك في الخطوط المتوازيه ، جامع
 الحساب بالتمخت والتراب ، رساله در علم مثلث ، رساله در حساب جبر وعقابله ، زبدة الادراك
 في هيئة الافلاك ، تذكرة نصيريه ، تجريد منطق ، تجريد العقاید در كلام ، حل مشكلات
 الاشارات ، قواعد العقاید ، مصارع المصارع ، تلخيص المحصل يا نقدا المحصل تهذيب
 محصل افكار المتقدين والمتأخرين امام فخر رازی ، تعديل المعيار في نقد تنزیل الافكار ،
 بقاء النفس بعد فناء الجسد ، رسالة در صدور خلق از حضرت حق ، اثبات جوهر
 مفارق يا اثبات العقل ، رسالة الى نجم الكاتبی في اثبات واجب الوجود ، شرح
 رسالة العلم ، مفاوضات ، مؤاخذات ، جواب امثلة شمس الدين محمد كيشنی ، امثلة
 النصيريه ، جواب امثلة محیی الدين عباسی ، مسائل سبعة ، جواب اسئلة وردت
 من الروم ، جواب امثلة سيد ركن الدين استرابادی ، جواب امثلة نجم الدين ديران ،
 فوائد ثمانية ، آداب المتعلمين ، مقولات عشر ، ربط الحوادث بالقديم ، اثبات العقل
 الفعال ، رسالة الاعتقاديه ، حواشی على کلیات القانون ، فوائد ، تجريد في الهندسه ،
 اختيارات مسير القمر ، كتاب البارخ في التقويم ، مختصر كراة ارشميدس ، تحصيل في علم النجوم ،
 تقويم العلائی ، نهاية الادراك في دراية الافلاك ، رسالة النصيريه ، رسالة المقنعه ، رسالة في
 اصول الدين ، رسالة في اصول العقائد ، رسالة في مهية العلم والعالم والمعلوم ، رسالة المنتخبه
 في معالم حقيقة النفس و ما يتصل بذلك ، اقسام الحكمه ، سرية الاثر في انجاح المقاصد
 وكشف الملمات ، رسالة في العلل والمعلولات ، اثبات اللوح المحفوظ ، نقطة القدسيه ،
 آداب البحث ، اثبات الفرقة الناجيه ، رسالة في احكام الكتف ، شرح اصول كافي ،
 كتاب المساطير ، شرح التهافت . گذشته ازین رسایل كوچك بسيار و مكاتبی كه در
 پاسخ دانشمندان زمان خود نوشته از بدستشست . در نظم و نثر فارسی مهارت بسيار
 داشته و از جمله كتابهای معروف او بفارسی اخلاق ناصری در اخلاق و اوصاف

الاشراف در اخلاق و سلوك و معيار الاشعار در عروض و قوافی و تنسوق نامه ایلخانی و تذکره آغاز و انجام و رساله سیر و سلوك و رساله هفت باب بابا سیدنا و مطلوب المومنین هر دو در عقاید اسمعیلیه و فصول نصیریّه و رساله در نعمت‌ها و خوشی‌ها و لذتها و جوامع گیتی نما و ترجمه ادب الصغیر ابن المقفع و ترجمه مسالك و ممالك و رساله خلق اعمال و رساله تولا و تبرا به مشرب تعلیمیان و روضه التسلیم یا کتاب التصورات و رساله در نفی اثبات و شرح مرموز الحکمه و رساله در اشارت بمکان و زمان آخرت و روضه القلوب و رساله تحفه در معرفت نفس و ترجمه زبدة الحقایق عین القضاة و منظومه اختیارات مسیر القمر و رساله در تقویم و حرکات افلاک و صد باب در معرفت اسطرلاب و اثبات واجب و رساله در احکام دوازده خانه رمل و نصیحت نامه و خلافت نامه و ترجمه کتاب اخلاق ناصرالدین محتشم و رساله در حساب و رساله معینیّه در هیئت و شرح معینیّه و حل مشکلات رساله معینیّه و زبدة الهیئه و منظومه مدخل در علم نجوم و ترجمه صور الکواکب عبد الرحمن صوفی و شرح ثمره بطلموس و زیح ایلخانی و رساله در بیان صبح کاذب و رساله در تحقیق قوس و قزح و رساله در موجودات و اقسام آن و جواب مسئله اثیرالدین ابهری و رساله فتح بغداد و رساله در رمل و رساله در جبر و اختیار و جوامع جهان نما و ادب الوجیز و بیست باب اسطرلاب و رساله رمل و تذکره نصیریّه و رساله در هیئت معروف بفارسی هیئت و معرفت تقویم و سی فصل و مدخل نجوم و اساس الاقتباس در منطقست و نیز کتابی در اخلاق با اسم مکارم الاخلاق بوی نسبت میدهند که از ویست.

۶) قاضی القضاة نصیرالدین یا ناصرالدین ابوالخیر یا ابوسعید عبدالله بن عمر ریضاوی، قاضی شیراز که در تبریز بسال ۶۸۵ رحلت کرده از بزرگان علمای این زمان بود. پدرش عمادالدین ابوالقاسم عمر در سلطنت اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی قاضی القضاة فارس بود و پس از این منصب بیسرش رسید و وی پس از مدت‌ها اقامت در شیراز در اواخر عمر در تبریز زندگی میکرد و مؤلفات معروف بزبان عرب دارد که از آن جمله است تفسیر مشهوری. در زبان فارسی هم کتابی تالیف کرده

است با اسم نظام التواریخ که فهرست مختصری از تاریخ ایران از آغاز تاریخ تا زمان اوست و در سال ۶۷۴ تمام کرده است .

(۷) شمس‌الدین محمد بن قیس رازی ، از مردم ری بود و مدت‌ها در ماوراء - النهر و خوارزم و خراسان می‌زیست و در سال ۶۱۴ که آوازه هجوم مغول در خراسان برخاست با سلطان علاء‌الدین محمد بن تکش خوارزمشاه بعراق آمد و تا سال ۶۱۷ که این پادشاه از لشکریان مغول می‌گریخت از همراهان وی بود و پس از آن در حدود ۶۲۳ از عراق بفارس رفت و بدربار اتابک سعد بن زنگی (۵۹۹ - ۶۲۸) راه یافت و ندیم آن پادشاه شد و پس از آن در دربار پسرش ابوبکر بن سعد نیز بود و وی مؤلف کتاب معروف المعجم فی معاییر اشعار العجمست که معروف ترین کتاب عروض وقوافی و محسنات شعر فارسیست و نخست در ۶۱۴ در شهر مرو طرح این کتاب را ریخته و در وقایع سال ۶۱۷ از میان رفته و پس از مدتی اوراق آن بتوسط دوستایبان کوه پایهای عراق بدست وی بازگشته و سپس در فارس در حدود سال ۶۳۰ آنرا تمام کرده است و نیز سه کتاب دیگر داشته است با اسم المعرب فی معاییر اشعار العرب و الکافی فی العروضین و القوافی و کتاب حدائق المعجم .

(۸) سعدالدین وراوینی از مردم آذربایجان بود و در اواخر دوره خوارزمشاهان زندگی می‌کرد و با سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه معاصر بود . یگانه اثری که از وی مانده کتاب مرزبان نامه است . این کتاب را مرزبان بن رستم بن شروین باوندی از ملوک طبرستان بزبان طبری نوشته بود و وی بنام خواجه ابوالقاسم ریب‌الدین هارون بن علی بن ظفر دندان وزیر اتابک ازبک بن محمد بن ایلدگز اتابک‌کان آذربایجان که جزو ملازمان وی بوده است ترجمه کرده و از کتابهای معروف زبان فارسیست ولی از حیث وفور استعمال لغات عرب ثقیل شده است .

(۹) نجم‌الدین ابوبکر عبدالله بن محمد بن شاهوراسدی رازی معروف بنجم‌الدین دایه از مردم ری بود و در جوانی بخوارزم رفت و در سلك مریدان و شاگردان نجم‌الدین کبری در آمد و هم چنان در خوارزم بود تا در ۶۱۸ در فتنه مغول

استاد وی کشته شد و او از آن دیار فرار کرد و عزم وطن خود داشت ولی لشکر مغول در پی اومی آمد تا چهار بهمدان رفت و از آنجا از راه اردبیل با آسیای صغیر رفت. نخست در شهر قیصریه و سپس در شهر ملطیه وارد شد و در آنجا به خدمت شهاب الدین سهروردی رسید و بوسیله او در حمایت ابوالفتح کیقباد بن کیخسرو بن قلج ارسلان از سلجوقیان روم در آمد و در شهر قونیه پایتخت او ساکن شد و در آنجا با صدرالدین قونیوی و جلال الدین بلخی معاشر بود و عاقبت پس از ۳۶ سال توقف در آن دیار در سال ۶۵۴ در بغداد رحلت کرد و در بیرون شهر بغداد در مزار شیخ سری و جنید بغدادی او را بخاک سپردند. وی از بزرگان نویسندگان متصوفه ایران در قرن هفتم بود و در شعر فارسی نیز دست داشت. معروفترین کتاب او در تصوف فارسی مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد است که روز دوشنبه اول رجب ۶۲۰ در شهر سیواس تمام کرده و کتابیست در منتهای فصاحت و در اوج اهمیت. دیگر از مؤلفات او بحر الحقایق و المعانیست در تفسیر بزبان عربی و رساله عشق و عقل بغارسی و منارات السائرین الی حضرة الله و مقامات الطائرین بالله.

(۱۰) شهاب الدین ابو حفص عمر بن محمد بن عبدالله بگری سهروردی متولد در سهرورد زنجان در ماه رجب ۵۳۹ از بزرگان مشایخ متصوفه ایران بود و از شاگردان و مریدان عم خویش نجیب الدین سهروردی بشمار می رفت. از وطن خود بیخدادت رفت و اکثر عمر خود را در بغداد و آسیای صغیر گذراند و در آنجا سرسلسله عرفا بود و مجالس ذکر و وعظ داشت و بصحبت عبدالقادر گیلانی عارف مشهور آن زمان رسید و ریاضات بسیار داشت و چندی نیز در شهر ملطیه متوقف بود و سپس شیخ الاسلام بغداد شد و خلیفه ناصرالدین الله یک بار او را بسفارت نزد علاءالدین کیقباد سلجوقی و بار دیگر نزد سلطان محمد خوارزمشاه فرستاد و مدتی هم در عبادان و در مکه اقامت داشته و دو تن از بزرگان شعرای ایران کمال الدین اسمعیل اصفهانی و سعدی بوی ارادت داشته اند و در سال ۶۳۲ بسن ۹۳ سالگی در بغداد رحلت کرد و مرقد او هم اکنون در محله وردیه بغداد زیارتگاهست. شهاب الدین سهروردی پیشوای سلسله ای از عرفای ایرانست که بنام سهروردیه معروف شده اند و در نظم و نثر عربی و فارسی توانایی بسیار داشته و

از جمله کتب معروف او عوارف المعارفست که در مفر مکه نوشته و عزالدین محمود بن علی کاشانی در ۷۳۵ بنام مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه بقاری ترجمه و شرح کرده است و دیگر رشف النصایح الایمانیه فی کشف الفصایح الیونانیه که معین الدین معلم یزدی در قرن هشتم بقاری ترجمه کرده است و اعلام التقی و اعلام الهدی و بجهة الاسراف فی مناقب الفوئیه ، رساله السیر و الطیر ، رساله فی السلوک ، الرحیق المختوم لذوی العقول و الفهوم ، بغیة البیان فی تفسیر القرآن .

(۱۱) خواجه رشید الدین محمد فضل الله بن ابی الخیر عمادالدوله بن موفق الدوله علی همدانی اجداد وی از یهود همدان بودند و وی در همدان بسال ۶۴۵ متولد شد و در آغاز کار بطبابت مشغول بود تا اینکه طبیب ابقاخان شد و پس از آن بوزارت ادغون خان و بوزارت غازان و الجایتو محمد خربنده رسید ولی در زمان پادشاهی ابوسعید بهادر وزیر اوتاج الدین علیشاه در حق وی سعایت کرد که خواجه رشیدالدین محمد خربنده را مسموم کرده است و باین جرم وی را گرفتند و دارایی او را توقیف کردند و در تبریز بسال ۷۱۸ کشتند . رشیدالدین فضل الله یکی از بزرگان علما و وزرای نیکو کار ایران بود و گذشته از فضل بسیار و منتهای قدرت در زبان پارسی بمنتهی درجه دانش دوست بود و اموال هنگفت خود را صرف خیرات و آبادانی و استنساخ کتاب و بنای مدرسه و مسجد و مریضخانه و کتابخانه کرده بود و بدرجه ای موقوفات داشته که مجموعه وقف نامها و رقبات او خود کتاب قطور است و در تبریز یک محله تمام ساخته بود با اسم ربع رشیدی که تمام آنرا وقف کرده بود و از جمله کتابخانه بسیار بزرگ نفیسی بود و در نشر فارسی یکی از بزرگترین ادبای ایرانست و در شعر عربی نیز دست داشته است . مؤلفات عمده وی بدین قرار است : جامع التواریخ شامل تاریخ عالم از آغاز خلقت تا سال ۷۰۳ که در سال ۷۰۰ با مرغازان خان شروع کرده و در سال ۷۱۰ از آن فارغ شده و در تدوین این کتاب چندتن از مورخین ایران شرکت داشته اند از آن جمله تاریخ چین و مغولستان را از روی اسناد چینی و مغولی نوشته و پیش از آن در زبان فارسی نظیر نداشته است . جامع التصانیف شامل نظامات و قوانین و

یاساهای مغول در ایران ، لطایف الحقایق در اخلاق و معارف و حکم ، سلطانیه در حکمت الهی ، مفتاح التفاسیر ، رساله توضیحات در اخلاق ، الاحیاء و الآثار ، بیان الحقایق ، مکاتبات رشیدی شامل مکاتیب او ، مجمع التواریخ که مجموعه ایست از همه متون تاریخ فارسی تا زمان او در میان هر یک که رابطه گسیخته شده ذیلی که خود نوشته قرار داده است .

۱۲) فخرالدین ابوسلیمان داود بن ابوالفضل محمد بناکتی از مردم بناکت یا فناکت بود که امر و زبانشکند معروفست و از مشاهیر شعرا و نویسندگان دربار غازان خان بود و در ۷۰۱ هـ ملک الشعراء لقب گرفت و برادرش نظام الدین علی بناکتی از عرفای معروف زمان بود و وی مؤلف تاریخ معروفیست با اسم روضة اولی الالباب فی تواریخ الاکابر و الانساب شامل تاریخ تمام عالم از زمان خلقت تا عصر مؤلف که آنرا در سال ۷۱۷ تمام کرده و خلاصه ایست از جامع التواریخ رشیدالدین فضل الله که با تکلفات منشیانه نوشته است .

۱۳) شمس الدین احمد افلاکی از شاگردان شیخ جلال الدین عارف نواده جلال الدین محمد بلخی بود و مؤلف کتابیست با اسم مناقب العارفين در احوال جلال الدین بلخی و فرزندان و جانشینان وی و مشایخ این طریقه که بطریقه مولوی معروفست و در سال ۷۱۸ بتألیف آن شروع کرده و تا سال ۷۴۲ مشغول بوده و از حیث مطالب و روانی انشاء کتاب بسیار جالب توجهیست .

۱۴) شهاب الدین عبدالله بن فضل الله شیرازی ملقب بوصاف الحضرة از مستوفیان دربار پادشاهان مغول و از مختصان خواجه رشیدالدین فضل الله بود و پس از گذشته شدن این وزیر پسرش غیاث الدین محمد پیوستگی داشت و در ۷۱۹ درگذشت ، مؤلف کتاب مشهوریست با اسم تجزیة الامصار و تزجیة الاعصار معروف بتاریخ و صاف که شامل وقایع سلطنت مغول از ۶۵۶ تا ۷۱۲ است و با تکلفات منشیانه بسیار نوشته ، بعدی که از سیاق زبان فارسی بسیار دورست و در نوع خود در میان کتابهایی که در آن بکثرت لغات عرب مقید شده اند منحصر مانده است ولی در نشر فارسی قدرت وی ازین

کتاب ظاهر می شود و وی در نظم فارسی و عربی نیز توانا بوده است .

(۱۵) حمدالله بن ابی بکر بن احمد بن نصر مستوفی قزوینی از خاندان معروف مستوفیان قزوین و جد او امین الدین احمد پس از آنکه مدتی در سلاک مستوفیان بود در طریقه تصوف وارد شد و در فتنه مغول کشته شد و برادرش زین الدین محمد در وزارت خواجهدرشدالدین فضل الله تائب دیوان وزارت بود و خود نیز در سلاک مستوفیان دربار می زیست . حمدالله مستوفی از جمله شعرا و نویسندگان زبردست زمان خود بود و از تالیفات او یکی تاریخ گزیده است که خلاصه ایست از تاریخ ایران تا سال ۷۳۰ و آنرا از روی جامع التواریخ رشیدی پرداخته است. دیگر نزهة القلوب در طبیعیات و جغرافیا و در عجایب بلدان که در ۷۴۵ مشغول تألیف آن بوده و مهمترین کتاب جغرافیا در زبان فارسیست . سوم ظفر نامه که منظومه ایست ببحر متقارب و در آن وقایع ایران را پس از استیلای عرب تا زمان خود نظم کرده و دنباله شاهنامه فردوسی قرار داده است و شامل ۷۵ هزار شعرست دیگر تاریخ قزوین که آنرا نیز بانشای بسیار روان نوشته است .

(۱۶) شرف الدین ابوالفضل فضل الله راجی حسینی قزوینی در دربار اتابک نصره الدین احمد بن یوسف شاه (۶۴۹ - ۷۲۷) از اتابکان لرستان می زیسته و کتاب معروفی پرداخته است با اسم کتاب المعجم فی آثار ملوک العجم که شامل احوال بعضی از پادشاهان پیش از اسلام ایرانست و آن نیز بواسطه وفود کلمات عربی از سیاق عادی زبان فارسی دور افتاده است .

(۱۷) سید مرتضی بن داعی حسنی رازی ملقب بعلم الهدی از علمای اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم ایران بوده و از جزئیات احوال وی اطلاعی نیست و وی دو کتاب بنشر فارسی بسیار فصیح و منسجم پرداخته است یکی با اسم تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام که در رد مذاهب مختلف و اثبات مذهب شیعه است و قدیم ترین کتاب فارسیست که بحث مذاهب مختلف در آن رفته ، دیگر ترجمه فارسی انساب نامه در ترجمه احوال ائمه که اصل آنرا در سال ۶۵۳ سید ابوتراب نامی بسایران آورده و وی ترجمه کرده است .